

حزب کمونیست نپال (مائوئیست) راه جدیدی را در پیروسه انقلاب دموکراتیک نوین زیر نام "پافشاری بر استراتژی و انعطاف در تاکتیک"

تجربه میکند!

باشکست انقلاب پرولتاریائی و انهدام پایگاه انقلاب جهانی در چین بوسیله رویزیونیستهای "سه جهانی" درون حزب و دولت چین در سال (۱۹۷۶)، جنبش کمونیستی جهانی دچار بحران و افتراق گردید. با فروپاشی ابر قدرت سوسیال امپریالیزم شوروی و بلوک شرق در سال ۱۹۹۱ امپریالیزم و ارتجاع جهانی، "شکست کمونیزم" و "عدم کارائی" اندیشه های کمونیستی را اعلام کردند و هر چه بیشتر بر توهم و سردرگمی پرولتاریا و زحمتکشان جهان افزودند.

علی الرغم تبلیغات همراه کننده و زهر آگین امپریالیزم و ارتجاع بین المللی مبنی بر "مرگ کمونیزم"، در طی بیش از دو دهه نبرد انقلابی پرولتاریا و خلقهای زحمت کش و تحت ستم در کشورهای پیرو، نپال، هند، فیلیپین و ترکیه (منطقه کردستان شمالی) تحت رهبری احزاب مارکسیست لنینیست مائوئیست این کشورها ادامه یافته است.

حزب کمونیست نپال (مائوئیست) یکی از اعضای جنبش انقلابی اترناسیونالیستی در اوایل سال (۱۹۹۶) جنگ خلق را به منظور سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور بوروکرات و طرد سلطه امپریالیزم و دولت هند و تاسیس دولت دموکراتیک خلق و پیروزی انقلاب سوسیالیستی آغاز نموده و در طی ده سال به پیروزیهای بزرگی دست یافته است.

نپال کشوری است نیمه فئودالی و نیمه مستعمره، دارای (۲۷) میلیون جمعیت و یکی از فقیرترین کشورهای جهان است. اکثریت مردم در بخش کشاورزی با وسایل ابتدائی و سنتی و صنایع کوچک اشتغال دارند. در حدود هشت میلیون تن از زحمتکشان نپال در کشورهای هند و کشورهای دیگر تحت شرایط دشواری مشغول کار مزدوری اند تا از این طریق زندگی بخور و نمیری را برای خانواده های شان در نپال مهیا کنند.

رفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در آس آن پوش پاکمال دهال (پراچندا) با الهام از علم مبارزه طبقاتی (مارکسیسم لنینیسم مائوئیسم)، با در نظر داشت شرایط مشخص تضاد هادر جامعه نپال، تحلیل از اوضاع جهان و منطقه و ارزیابی شرایط عینی و ذهنی جامعه آنوقت نپال؛ اندیشه های انقلابی پرولتری را در بین توده های خلق برده و با جلب و سازماندهای آنها جنگ انقلابی خلق را در مناطق روستائی آغاز کردند. آنها در طی ده سال با تلفیق اصول عام اندیشه های انقلابی (م ل م) در شرایط جامعه نپال و ارتقای سطح آگاهی سیاسی ایدئولوژیک توده های خلق در روستاها و شهرهای کوچک توانستند دست

آورده‌های عظیم انقلابی راکمائی کنند.

در نپال زنان بحیث محروم‌ترین و ستمکش‌ترین بخش اجتماع در طی صدها سال تحت نظام فرتوت فئودالی از ستم طبقاتی، ستم امپریالیستی، ستم ملی شئونیستی و ستم جنسیتی رنج و عذاب کشیده اند. با آغاز انقلاب رهائی بخش مردم نپال تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست)، هزاران زن در صف انقلاب پیوسته و در کنار مردان در پیشبرد امر انقلاب قهرمانانه جنگیده و فداکاری کرده اند. زنان در (۸۰) درصد مناطق روستائی نپال خود را از ستم طبقاتی، شئونیستی، مذهبی و سنن و خرافات کهنه فئودالی رها کرده و تا حد زیادی به حقوق برابرشان با مردان دست یافته اند. زنان نپال در طی ده سال جریان انقلاب سهم بزرگی را در سرنگونی سلطه فئودالیزم در بخش اعظم کشور نپال و پیشرفت پروسه انقلاب دموکراتیک نوین بعهدہ داشته اند.

نپال کشوری است کثیرالمله که بیش از بیست اقلیت ملی و قومی در آن ساکن اند. اقلیتهای ملی علاوه بر ستم طبقاتی و ستم امپریالیستی از ستم ملی شئونیستی (شئونیسم طبقه حاکمه هندو ("برهمنیزم") شدیداً رنج برده اند. با آغاز پروسه انقلاب دموکراتیک نوین خلقها و ملیتهای تحت ستم برای رهائی از ستم طبقاتی و ستم ملی شئونیستی به صف انقلاب پیوسته و باطر دسلطه طبقات فئودال از مناطق شان حکومتهای خودمختار منطقه ای را تشکیل داده اند.

با آغاز جنگ انقلابی خلق در نپال اثرات انقلابی آن که پیام آور نجات توده های خلق از سلطه و ستم ارتجاع فئودال کمپرادوری و سلطه امپریالیسم و دولت ارتجاعی هندو و اعمار جامعه نوین بود، به سرعت در اعماق جامعه نپال نفوذ کرده و توده های خلق را فراگرفت.

خلق نپال و حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در طی مدت يك دهه توانستند پیروزیهای عظیمی را در کارزار مبارزه طبقاتی انقلابی نصیب شوند. آنها در (۸۰) درصد مناطق روستائی حاکمیت طبقات فئودال را سرنگون کرده و هسته های حاکمیت طبقاتی خلق را ایجاد کرده و ارتش انقلابی خلق را تشکیل کرده اند. خلق انقلابی دارای ارتش منظم انقلابی چنده هزار نفری و ده ها هزار چریک رزمنده گردید. ملیونها نفر از زحمت کشان در سراسر کشور در مناطق روستائی و شهری به حمایت از انقلاب برخاسته و به اشکال و طرق مختلف به آن یاری رسانده و می‌رسانند. این انقلاب از رهبری يك حزب انقلابی پرولتری بهره مند است. حزبی که مسلح به سلاح علم مبارزه طبقاتی (م ل م) بوده و در طی يك دهه در سنگرداغ مبارزه طبقاتی آب دیده شده و تجارب گرانبهای را در جریان پراتیک مبارزه طبقاتی اندوخته و علم مبارزه طبقاتی را غنای بیشتری بخشیده است.

پیروزیهای بزرگ حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و خلق انقلابی نپال امیدواریهای زیادی را به

پرولتاریا و سایر طبقات و اقشار زحمتکش جهان و ملل ستم‌دیده بوجود آورده و این ایده را به آنها القاء میکند که اگر به مبارزه برخیزند و مبارزه شان را در پرتو خط انقلابی پرولتری و تحت رهبری یک حزب واقعاً انقلابی پرولتری سازمان داده و به پیش برند؛ به یقین میتوانند مانند خلق انقلابی نپال به پیروزیهای بزرگی دست یافته و در کشورهای شان به سلطه فئودالیزم، کمپرادوریزم و امپریالیزم خاتمه داده و بر سر نوشت شان حاکم شوند.

خلق انقلابی نپال و حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در طی ده سال اخیر با مبارزات انقلابی شان توانسته اند کشور نپال را به پایگاه بزرگ انقلابی در جهان مبدل کنند. با سرنگونی سلطه فئودالیزم در (۸۰) درصد مناطق روستائی نپال و تشکیل ارتش انقلابی خلق، ایجاد ساختارهای انقلابی خلق و بسیج و سازماندهی ده ها هزار چریک مسلح خلق پیروزیهای بزرگی را در بر ارتش سلطنتی نپال بدست آورده و به لحاظ نیرومندی به مرحله تعادل استراتژیک رسیدند.

پیروزیهای مبارزات انقلابی خلق نپال در قاره آسیا (که دوثلث نفوس جهان را در خود جای داده است) و خاصتاً در این منطقه که بیش از نصف نفوس قاره آسیا در آن سکونت دارند، اثرات نهایت مهمی را در تحریک توده های مردم به مبارزه علیه ارتجاع و امپریالیزم بجا میگذارد. پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در نپال تاثیرات ژرفی در بیداری خلقها و زحمت کشان این منطقه و سراسر جهان بجا گذاشته، روحیه انقلابی آنها را ارتقاء داده و آنها را به تحریک و مبارزه طلبی و امیدارد.

بخش بزرگی از کشورهای امپریالیستی خاصتاً امریکا در طی چند سال اخیر دچار بحران عمیق اقتصادی اند. بعد از حمله انتحاری ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی و پنتاگن در نیویورک و واشنگتن، قدرتهای امپریالیستی خاصتاً امریکا به بهانه "مبارزه علیه تروریزم"، خلقها و ملل کشورهای تحت سلطه، از جمله خلقهای افغانستان و عراق را وحشیانه مورد حملات نظامی قرار داده و این دو کشور را به اشغال نظامی در آورده اند. خلقهای افغانستان و عراق در زیر سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی، اروپائی و متحدین آنها تحت ستم امپریالیستی و حاکمیت دولتهای دست نشانده متشکل از نیروهای جانی، خاین و ضد مردم عذاب میکشند. بالمقابل در طی سالهای اخیر تضاد خلقها و ملل در کشورهای تحت سلطه علیه امپریالیزم جهانی خاصتاً امریکاشدت یافته است. دولتهای امریکا، انگلستان و سایر کشورهای امپریالیستی زیر نام "مبارزه با تروریزم" فشار همه جانبه را بر اقلیتهای ملی کشورهای شان خاصتاً آنها را بیکه تعلق به کشورهای اسلامی دارند، اعمال کرده و میکنند. اقلیتهای ملی در کشورهای امپریالیستی تحت فشار ستم ملی، فقر و بیکاری عذاب میکشند. با سلب بخشهای از حقوق اجتماعی و مدنی، حذف هزینه های رفاهی اقشار پائینی در این جوامع و بیکاری فزاینده طبقه کارگر، موجب نارضائی شدید توده های خلق

در کشورهای امپریالیستی شده است.

پیشرفت های مبارزات انقلابی خلق نپال در طی سالهای اخیر امیدواریهایی زیادی را در جهت پیروزی انقلاب مردمی در این کشور برای کمونیستهای انقلابی، پرولتاریا و سایر توده های زحمتکش و نیروهای مترقی جهان بوجود آورده است. خاصتاً در شرایطی که ارتش رهائی بخش خلق نپال به لحاظ قدرت رزمی به مرحله تعادل استراتژیک رسید و حلقه محاصره شهر هاراتنگ تر ساخته و دولت ارتجاعی نپال را تحت فشار شدید قرارداد.

در طی چند سال اخیر از یک طرف تکامل جنگ انقلابی خلق در نپال و از طرف دیگر بروز اختلاف و تشدید تضاد بین طبقات حاکمه نپال خصوصاً احزاب پارلمانی و پادشاه "گیانندرا"، نظام فئودال کمپرادوری را دچار بحران سیاسی شدیدی کرده است. این تضاد زمانی حادث گردید که شاه "گیانندرا" در اکتوبر سال (۲۰۰۲) دولت وقت را به بی کفایتی متهم و از کار برکنار کرده و پارلمان را منحل نمود. پادشاه در اول فبروری سال ۲۰۰۵ طی یک کودتا حکومت را برکنار کرده و اختیارات صدراعظم را نیز مستقیماً در دست گرفته و عده از رهبران سیاسی رازدانی کرد. اقدامات شاه در انحلال پارلمان، عزل حکومت و بدست گرفتن اختیارات صدراعظم، اعمال استبداد و اختناق همه جانبه بر توده های خلق و نیروهای سیاسی مخالف موجبات نارضائی شدید توده های مردم، جامعه مدنی و نیروهای هفت حزب پارلمانی را خاصتاً در شهر هافراهم کرد.

در آن شرایط حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که از قدرت مندی لازم برخوردار بود سعی کرد تا در امر گسترش مبارزه اش خاصتاً در شهرها از تضاد درونی طبقات حاکم نپال استفاده نماید. هم چنان احزاب پارلمانی برای پیشبرد مبارزه علیه شاه جهت بازپس گرفتن امتیازات از دست رفته شان به یک جبهه نیرومند مبارزه نیاز داشتند. بعبارت دیگر باید بان نیروی سیاسی ای در جامعه متحد می شدند که از توانمندی توده ای قوی برای اعمال فشار لازم بر شاه برخوردار بود. و این موقعیت قدرت این امکان را برای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) میسر ساخت تا جهت سازمان دادن یک مبارزه سیاسی گسترده علیه نظام سلطنت عمدتاً در شهرهای بزرگ نپال از جمله شهر کت مندو؛ پیمان (۱۲) ماده ای را با هفت حزب پارلمانی در ماه نوامبر سال (۲۰۰۵) به امضا رساند.

در ماه اپریل سال ۲۰۰۶ هفت حزب پارلمانی در اعتراض به حکومت نظامی شاه فراخوان یک اعتصاب عمومی را دادند و حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از این اعتصاب و اعتراضات عمومی حمایت خود را اعلام نمود. نیروهای انقلابی و ارتش خلق نپال که شهرها را در محاصره داشتند شدیداً بر تداوم و تحکیم این اعتصاب عمومی و تظاهرات آنها نظارت داشته و اثر گذاشتند. اعتصابات و تظاهرات ها

در شهر کتمندو و سایر شهرهای نپال مدت سه هفته دوام نمود. امروزه مرزهای بزرگ کشور از جمله پایتخت تا حد زیادی مختل گردیده و هرچه بیشتر پادشاه راتحت فشار قرارداد. پادشاه نپال باز هم تصمیم گرفت تا با اعلام حکومت نظامی اعتصابات و تظاهرات مردم را با اعمال خشونت سرکوب کند؛ همان بود که ارتش سلطنتی بر روی تظاهرکنندگان آتش گشوده و بین ۱۵ تا ۲۰ نفر از تظاهرکنندگان را گشت و در حدود پنج هزار نفر را زخمی و هزاران تن را دستگیر نمود. ولی توده های مردم و نیروهای مترقی و انقلابی از خود مقاومت شدیدی را علیه ارتش و نیروهای امنیتی تبارز دادند. تظاهرکنندگان با سنگ و چوب و مشتهای گره کرده در برابر ارتش سلطنتی تاندان مسلح مقاومت کردند. در این اعتصابات و تظاهرات خلق نپال توده های فقیر شهری و اقشار متوسط جامعه، نیروهای مترقی و جامعه مدنی که شدیداً از شرایط نظام سلطنت منجمه ستم و استبدادی که بر آنها اعمال میشد، نقش برآزنده ایراد عقب نشینی دربار سلطنت بعهدہ داشتند. بالاخره شاه نپال زیر فشار مبارزات توده های مردم مجبور به عقب نشینی شده و پارلمان نپال را بازگشائی کرد.

پارلمان نپال "گیراجا کوئیرالا" رهبر حزب کنگره نپال را به بحیث نخست وزیر انتخاب نمود. بازگشائی پارلمان بتاريخ ۱۸ می ۲۰۰۶ در حقیقت آغاز دوباره حکومت هفت حزب پارلمانی بود که چهار سال قبل بوسیله شاه منحل شده بود. حکومت جدید طی بیانیه ای اعلام کرد که: "بر اساس مصوبه مجلس اعضای خانواده سلطنتی نیز از این پس مانند شهروندان دیگر نپال مالیه خواهند پرداخت، اقتدار شاه بر ارتش سلطنتی نپال را منحل و پارلمان بجای پادشاه فرماندهی نیروهای مسلح را در دست میگیرد. شورای مشورتی سلطنتی نیز منحل شد و شاه پس از این مقام صوری خواهد داشت. هم چنان پارلمان عنوان مذهبی پادشاه را حذف کرده و اعلام نمود که: "نپال از این پس یک پادشاهی مذهب هندو نیست بلکه یک دولت سکولار میباشد". دولت جدید همه زندانیان مربوط به حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و سایر زندانیان سیاسی را از زندانهای نپال آزاد نمود. و دولت هند که ده هاتن از اعضای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را در اسارت دارد، دوتن از رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) را از زندان رها کرد.

این مطلب قابل تذکر است که بعد از عقب نشینی شاه، گشایش دوباره پارلمان و تشکیل حکومت جدید؛ هفت حزب پارلمانی که به اثر فشار مبارزات توده های خلق به خواستهای سیاسی شان دست یافته اند؛ آن همه پیروزیها را نتیجه دست آوردهای مبارزات خودشان توجیه کردند.

بعد از صدور بیانیه دولت جدید نپال پراچندا صدر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) اطلاعیه ای را بتاريخ (۱۸) ماه می (۲۰۰۶) صادر کرده و گفت: "حزب ما از بیانیه ارایه شده توسط حکومت هفت حزب که امروز در مجلس تصویب شد حمایت میکند و آنرا یک پیروزی برای تفاهم نامه ۱۲ نکته ای (تفاهم نامه ای که

میان حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و هفت حزب پارلمانی در اواخر سال ۲۰۰۵ امضای توافقیه اعتصاب عمومی ماه اپریل ۲۰۰۶ گردید) و جنبش تاریخی مردم میداند. این بیانیه گامهای سیاسی مهمی علیه سلطنت خودکامه فئودالی برداشته است. به همین دلیل حزب مامفخر است که برخی از خواسته هائی که از زمان قبل از آغاز جنگ خلق میکردیم برآورده شده است (هرچند بطور قسمی)، اما این بیانیه در کلیت خود به نیازها و آمال مردم جواب نمیدهد. صدرپراچندا تذکر داد که تقلیل شاه به مقام صوری هنوز "بطور کامل" انجام نشده و به "آمال مردم مبتنی بر لغو سلطنت و استقرار یک جمهوری پاسخ نمیدهد".

پراچندا موارد دیگری از اعلامیه دولت جدید را مورد انتقاد قرار داده و گفت که: "در مورد دخالت فزاینده نیروهای خارجی در امور سیاسی نپال، تجدید سازماندهی کامل دولت؛ از جمله برسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای ملل تحت ستم، خودمختاری منطقه ای و استقرار دولتی با ساختار فدرال، تحقق زمین به کشتگر و اتخاذ سیاست اقتصادی مستقل، تامین حقوق پایه ای خلق در زمینه آموزش، بهداشت و اشتغال و حقوق خاص برای کاستهای سرکوب شده (مانند دالیته ها که به اصطلاح نجس خوانده میشوند) و زنان؛ که در مورد هیچ یک از اینها کلمه ای نیز نگفته است. واضح است که مشکلات اساسی مردم نپال، مشکلاتی که بطور روزمره با آن مواجه اند، با این بیانیه جواب نخواهند گرفت."

پراچندا چنین ادامه میدهد: "سکوت حیرت انگیز نسبت به حل مشکلات جدی جامعه نپال که جنگ خلق طی ده سال بر آن تاکید گذارده و سکوت در مورد مذاکرات تردیدهای جدی در رابطه با این بیانیه برمی انگیزد. هر نپالی باید به این مسأله فکر کند که شاید این بیانیه بخشی از یک توطئه جدی برای کنار زدن مذاکرات، انتخابات مجلس موسسان و دست یافتن به یک راه حل سیاسی مترقی است و می خواهد در میان مردم سردرگمی بوجود آورد."

این بیانیه هیچ اشاره ای به تفاهم نامه ۱۲ نکته ای نکرده است. این کاربوی بد توطئه چینی را میدهد که می خواهد تمام دست آوردهای جنبش را به حساب احزاب پارلمانی واریز کند. اینکه آیا هفت حزب می خواهند روحیه و آمال تفاهم نامه ۱۲ نکته ای را سرتگون کنند یا خیر یک سؤال جدی است."

صدرپراچندا اطلاعیه خود را با این نتیجه گیری به اتمام می رساند: "از آنجا که ما تعهد سپرده ایم که این موضوعات جدی را روی میز مذاکره بگذاریم و در میان توده های مردم بحث و طرح کنیم، از تمام احزاب سیاسی، جامعه مدنی، سازمان های اجتماعی، روشنفکران و شخصیت های مشهور و توده های وسیع مردم می خواهیم که بر سر این مسایل اساسی بطور جدی وارد بحث و مناظره شوند."

حزب کمونیست نپال (مائوئیست) پس از تشکیل موفقیت آمیز جلسه کمیته مرکزی در جواب به تشکیل مجلس نمایندگان یک نقشه راه را برای احزاب پارلمانی فرستاد. نشریه انترنیتی "کاتتیپور آنالین" در ۱۳

ماه می نوشت که این نقشه راه شامل ۲۲ نکته است که بخش‌های از آن عبارت انداز: "اعلام يك آتش بس، تصویب يك الگوی رفتار برای طرفین، تشکیل يك تیم مذاکره از سوی طرفین، آزاد کردن زندانیان سیاسی، تشکیل يك حکومت موقت و تصویب رهنمای عمل برای آن از طریق تشکیل کنفرانسی که نمایندگان تمام احزاب سیاسی، جامعه مدنی و شخصیت‌های مشهور اقصا مختلف در آن شرکت داشته باشند؛ تعیین بخش‌های انتخاباتی بطوری که نمایندگی همه اقشار، کاستها، بخش‌ها و جنسیت‌ها تضمین شود؛ برگزاری انتخابات مجلس موسسان تحت نظارت مجامع قابل اعتماد بین المللی؛ تجدید سازماندهی تمام ساختار دولت منجمله ارتش رهائی بخش خلق و ارتش سلطنتی نپال طبق اراده توده ها که از طریق انتخابات مجلس موسسان بیان خواهد شد." (به نقل از سرویس خبری جهانی برای فتح. ۲۲ ماه مه ۲۰۰۶ و سرویس خبری بی بی سی ۸ جنوری ۲۰۰۷).

در مورد اینکه صدرپراچندا از توطئه حکومت جدید سخن به میان آورده است امر کاملاً درست است و امکان دست زدن به توطئه از جانب حکومت و دولت نپال علیه جنبش انقلابی و انقلاب خلق نپال، وجود دارد که رفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) باید جداً متوجه عقب نشینی های طبقات ارتجاعی (خاصاً در شرایطی که دچار بحران سیاسی شده و در موقعیت ضعیفی قرار بگیرند) و نیز حیل گریها و توطئه گریهای آنها باشند.

در باقی موارد پراچندا خواستهای رادبرابر حکومت جدید اعلام کرده است؛ البته اگر در شرایطی نیروی انقلابی از موضع قدرت يك روش تاکتیکی رادبرابر طبقات حاکمه و دولت ارتجاعی برگزیده و خواستهای رام طرح میکند؛ اکثر آیین منظور است که طبقات ارتجاعی رادرمعرض آزمایش قرار دهند تا توده های خلق در عمل مشاهده کنند که طبقات ارتجاعی به آسانی حاضر نیستند به میل شان به حقوق و خواستهای اساسی توده های خلق گردن نهند. در شرایط فعلی نپال خواست تشکیل دولت موقت و طرح خواستهای معین در جهت تعمیم دموکراسی و برآورده کردن بخش‌های از خواستهای دموکراتیک توده های مردم است. و اکثر آدر شرایطی طرح این خواستها از جانب نیروهای انقلابی و مترقی جامعه، طبقات ارتجاعی رادرتنگنا قرار میدهد؛ زیرا با وجودیکه آنها در جهت اغوای توده های مردم لاف خدمت در راه ترقی، دموکراسی، انجام اصلاحات اجتماعی و اقتصادی و بهبود شرایط معیشتی توده های مردم میزنند؛ لکن در عمل از برآورده کردن همین محدوده خواستهای دموکراتیک توده های مردم بطور کامل ابادارند.

یقیناً که این موضوع رارفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بخوبی درک مینمایند. آنها در شرایط مشخصی بادر نظر داشت اوضاع بوجود آمده در کشورشان، خود میدانند که از چه تاکتیکها و روشهای برای پیشبرد امر مبارزه در جهت تحقق استراتژی انقلاب کشورشان یعنی پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین

وانقلاب سوسیالیستی استفاده کنند.

ازجمله موارد پیشنهادی پراچندایکی لغونظام سلطنت واستقراریک جمهوری دموکراتیک است که درماهیت اش تحت همین شرایط هم تحقق یک خواست دموکراتیک به شمارمیرود. اما برآورده کردن خواستهای دموکراتیک دیگر از قبیل: "تحقق زمین به کشتگر، اتخاذیک سیاست اقتصادی مستقل (وبریدن ازامپریالیزم ودولت ارتجاعی هندتبصره ازماست) وتحقق سایر حقوق سیاسی واجتماعی توده های خلق به مفهوم واقعی آن تحت چنین شرایطی کمتر محتمل به نظر میرسد که حکومت جدید ونظام ارتجاعی فنودال کمپرادوری آنرا برآورده سازند.

همچنین موضوع جریان مسالمت آمیز شرایط فعلی به وضعیتی که زمینه سرنگونی نظام کهن وتاسیس یک نظام جدید دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا را آماده سازد، غیر محتمل به نظر میرسد. بعبارت دیگر ارتجاع داوطلبانه از مسند قدرت پائین نخواهد آمد. دولت وحکومت نپال وکلاطبقات حاکمه نپال به بیشتر از یک نظام شاهی مشروطه وپارلمانی نسبتاً مقتدر ویک دولت سکولار وحق انتخابات همگانی در جامعه، تن در نخواهند داد. پذیرش خودمختاری منطقه ای وقبول یک نظام فدرال در نپال وحتى قبول اصلاحات ارضی (البته اصلاحات ارضی بورژوائی) از طرف دولت وحکومت امکان پذیر است. ولی این تحولات از نظر ماهیت وتحت دکتاتوری چنین نظامی نمیتواند آرمان واقعی توده های خلق نپال را (که در طی بیش از یک دهه برای سرنگونی نظام سلطنت در راس طبقات فنودال وبوروکرات کمپرادور و سلطه امپریالیزم ودولت ارتجاعی هند مبارزه خونینی رابه پیش برده اند)، برآورده سازد. وتحقق همه خواستهای دموکراتیک بوسیله دولت کنونی نامحتمل به نظر میرسد. زیرا احزابی که در دولت کنونی شرکت دارند و یاد آرینده بعد از تشکیل مجلس موسسان در دولت شرکت خواهند داشت، به لحاظ ماهیت طبقاتی وخط ایدئولوژیک سیاسی دارای اهداف ومواضع متفاوتی اند؛ از جمله حزب مستبدین فنودال مانند آر پی پی، حزب ناسیونال دموکرات، رویزیونیستهای سرسخت نظیر رهبری مارکسیست لنینیستها، احزاب پارلمنتاریست، حزب "کنگره ملی" نپال ورهبری کمونیستهای "متحجر سلطنتی" وغیره گروه هاهستند.

بعد از افتتاح پارلمان واعلان دولت موقت بتاريخ (۱۸) ماه می (۲۰۰۶)؛ پراچندا بتاريخ (۱۷) جون (۲۰۰۶) با صدر اعظم جدید نپال در قصر نخست وزیری ملاقات نموده وپلان آتش بسی راباوی امضاء کرد. و بتاريخ (۲۱) نومبر (۲۰۰۶) قرارداد صلح رابا صدر اعظم جدید امضاء نمود. از قول پراچندا گفته شده که او خواهان انحلال پارلمان وتشکیل یک دولت موقت است که نمایندگان آنها در آن شرکت داشته باشند. او گفت که ما خواهان تشکیل مجلس موسسان باهدف تدوین قانون اساسی جدیدی برای نپال هستیم. پراچندا طی مصاحبه ای بابی بی سی امضای این موافقت نامه (پیمان) رابخشی از یک تصمیم تاریخی

خواند.

نکات عمده این پیمان: از مهم ترین مسایل موافقت نامه خلع سلاح ارتش خلق است که توسط پراچنداوکویرالاتوافق شد. هر دو طرف موافقت کردند از ملل متحد دعوت کنند تا جریان خلع سلاح هر دو طرف را تنظیم و مراقبت کرده و جریان انتخابات و اسامبله قانونی و خلع سلاح را نظارت نماید. ارتش خلق با ارتش ملی مدغم میشود و دیگر بنام ارتش مائوئیستهایاد نخواهد شد. پراچندا اضافه کرد که: "ما پیشنهاد صلح را داده ایم و دوباره بطرف جنگ نمی رویم".

قبلاً تاریخ (۷) اگست ۲۰۰۶ "بهاتاریا" شخص شماره دوم حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و معاون پراچندا طی مصاحبه ای بای بی سی چنین گفت: "مذاکرات صلح با حکومت متوقف خواهد شد اگر آنهاروی مسأله ابقای سلطنت پافشاری کنند." او مکرراً اظهار داشت اگر (حکومت) پادشاهی را حفظ کند در آن صورت ما مجبور خواهیم بود که حکومت را ترک کنیم".

"بهاتاریا" طی مصاحبه ای بانماینده خبررسانی "رویتر" چنین گفت: "حزب مادوباره به جنگل بر نمی گردد، مایک حرکت صلح آمیز را براه انداخته ایم و در کشور یک جمهوری دموکراتیک تشکیل میدهم. او علاوه کرد؛ اگر حکومت کوشش کند که پادشاهی را حفظ کند، مائوئیستهایک مبارزه تازه را براه خواهند انداخت." "چارلس هولند" خبرنگاری بی سی در کتمندو گفت: "مذاکرات بین حکومت و حزب شورشیان به بن بست می انجامد عمدتاً اگر مائوئیستها قبل از پیوستن به حکومت موقت بطور کامل خلع سلاح نشوند".

یکی از رهبران بزرگ حزب کمونیست نپال (مائوئیست)، "دیف گورانگ" در یک مصاحبه همراهی "ایشین تایمز آنلاین" گفت: "قطعاً این شایعه نادرست بود که سیاست حزب مبنی بر ختم مالکیت خصوصی در زمین و مایملک دیگر است." در همین رابطه یک راپوربی بی سی بتاريخ ۲۲ جون ۲۰۰۶ مدعی شد که پراچندا صحبت از "سودآوری سرمایه و کمک به انکشاف اقتصادی کشور" کرده است.

در اوضاع سیاسی جدیدی که بعد از اعتصابات و تظاهرات عمومی توده های مردم در ماه اپریل سال ۲۰۰۶ در شهر کتمندو و سایر شهرهای نپال بوجود آمد و شاه مجبور به قبول خواستهای هفت حزب متلفه و نیروهای انقلابی گردید؛ زمینه نفوذ نیروهای انقلابی خلق در شهرهای نپال بیش از پیش مساعد شد. زیرا قبل از آن مرکز انقلاب عمدتاً در دهات بود که تحت این شرایط به شهر هادربین کتله های وسیع توده های شهری نیز گسترش یافت. علت دیگر فضای حاکم اختناق و استبداد شاه علیه نیروهای هوادار حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بود که در طی ده سال اخیر هزاران تن را به زندان انداخته و صدها تن دیگر را کشته و یا مفقود الاثراند.

در شهرهای نپال افسار مختلف خرده بورژوازی که از ستم و استثمار چند جانبه نظام فئودال کمپرادوری

وامپریالیزم رنج میکشند، صف انقلاب رادرشهرها تقویت میکنند. تحت شرایط بوجود آمده بعد از ماه جون (۲۰۰۶) فضای سیاسی برای نیروهای انقلابی مردمی مساعد گردید تا در بین توده های شهری (کارگران، مزدورکاران و سایر اقشار زحمت کش، اقشار مختلف خرده بورژوازی و روشنفکران مترقی) نفوذ کرده و به تبلیغ و ترویج اندیشه های انقلابی و سازماندهی آنها بپردازند.

در آن شرایط همینکه شاه "گیانندرا" عقب نشینی کرده و پارلمان را گشود؛ هفت حزب متولفه پارلمانی خود را پیرو زاعلام کردند. زیر آنها در واقع به اهداف شان نایل آمده اند. ولی شرایط بوجود آمده نمیتواند نیروهای انقلابی و توده های خلق رارضی سازد. زیرا خواست حداقل آنها پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین تحت رهبری طبقه پرولتاریا و حزب کمونیست انقلابی آن است.

مطلب دیگری که بایدروی آن مکث نمود این است که: با امضای "پیمان صلح" بین صدرپراچندا و صدراعظم جدید؛ دولت جدید در این پیمان تعهد کرد که در جهت تشکیل دولت موقت، تشکیل مجلس موسسان، انحلال ارتش شاه و ایجاد ارتش جدیدی از طریق ادغام ارتش رهائیبخش خلق نپال، اقدام خواهد کرد. لکن در آنوقت دولت جدید نپال به مطبوعات خارجی این موضوع راطوری وانمود کرد که گویا موضوع ادغام ارتشها، خلع سلاح ارتش رهائیبخش خلق رامیرساند. که انتشار این خبر موجب تعجب و نگرانی تمام نیروهای انقلابی و مترقی جهان گردید. زیرا همه چشم امید به پیشرفتهای مزید انقلاب و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی در نپال داشته دارند.

اما حزب کمونیست ایران (م ل م)؛ به نقل از حزب کمونیست نپال (مائوئیست) این موضوع رارد کرده و توطئه و تبلیغات بی محتوی از جانب دولت نپال و مطبوعات امپریالیستی خوانده و علاوه نمود که: "هدف نهائی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) سرنگونی نظام فعلی و کسب قدرت سراسری و تشکیل دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا می باشد." چنانچه در شماره (۲۰) حقیقت منتشره ماه آبان (شماره ویژه انقلاب نپال) چنین میخوانیم: "در آستانه تولد یک دولت سوسیالیستی؛ سرنگونی کامل دولت کهن و شکل گیری یک دولت دموکراتیک نوین و سوسیالیستی در افق پیداست و از دو دولت موجود (دولت کهن ارتجاعی و دولت نوین انقلابی) یکی باید بردیگری غلبه کند."

به همین رابطه حزب "کمونیست (مائوئیست)" افغانستان در شماره (۱۴) شعله جاوید منتشره ماه عقرب ۱۳۸۵ (نوامبر ۲۰۰۶) نوشت که: "نپال در آستانه انقلاب دموکراتیک؛ نپال در مرحله حساسی از تاریخ خود قرار گرفته است، در نپال پس از پیشروی های موجود جنگ خلق در طی مدت زمانی بیشتر از یکدهه، اکنون در آستانه پیروزی قرار دارد. توام با این فرصت تاریخی کم نظیر مخاطرات عظیمی نیز بر سر راه انقلاب خود نمائی میکند."

باتاکید باید گفت که حفظ ارتش رهاییبخش خلق یعنی تن در ندادن به خلع سلاح آن، اصولاً یگانه راه درست و اصولی بود که رفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) باید آنرا تعقیب میکردند. زیرا دست آوردهای مبارزات انقلابی خلق نپال و تشکیل ارتش رهاییبخش خلق با خون هزاران شهید انقلابی خلق بدست آمده است و بر مبنای این اصل انقلابی که "خلق بدون ارتش انقلابی هیچ چیزی نخواهد داشت"، همین ارتش انقلابی خلق نپال است که در شرایط فعلی میتواند از دست آوردهای انقلاب و تداوم مبارزه تاپیروزی نهائی حراست کند. حال که آنها پیمان مصالحه راباد دولت امضا کرده و به خلع سلاح ارتش خلق بعبارت دیگر "ثبت و ذخیره سازی" سلاحهای ارتش رهاییبخش خلق تحت نظارت نیروهای ملل متحد موافقت کرده اند؛ و اگر به انحلال ساختارهای انقلابی خلق در مناطق روستائی تحت کنترل شان نیز موافقت کنند؛ در واقع خود را در یک موقعیت نامناسب و خطیری قرار خواهند داد.

باتوجه به سیر تحولات سیاسی بعد از ماه می سال (۲۰۰۶) و خصوصاً در طی ماه های اخیر در نپال، انقلاب خلق نپال وارد مرحله حساسی شده است. یقیناً در این شرایط قدرتهای امپریالیستی جهان عمدتاً امریکا و دولتهای ارتجاعی منطقه (دولت هندوچین) و خارج منطقه و ارتجاع نپال آرام نشسته و تلاش خواهند کرد تا نگذارند که انقلاب خلق نپال به پیروزی نهائی برسد و آنها در این راه از هیچ توطئه، رذالت، خیانت و جنایتی روی گردان نخواهند بود. به همین رابطه سفیر امریکا در نپال و مامورین عالی رتبه وزارت خارجه امریکا که در ماه های اخیر به نپال سفرهای داشته اند، همواره روی خلع سلاح ارتش رهایی بخش خلق نپال تاکید کرده و در این زمینه دولت نپال را تحت فشار قرار داده اند.

این احتمال نیز وجود دارد که دولت نپال بعد از خلع سلاح ارتش رهاییبخش خلق سعی خواهد کرد تا با دفع الوقت و طولانی کردن پروسه انجام اصلاحات دموکراتیک و دادن برخی آزادیهای سیاسی و اجتماعی خاص تا به توده های شهری که هنوز آگاهی سیاسی و سازماندهی انقلابی لازم برخوردار نیستند؛ و با بزرگ جلوه دادن همین دست آوردهای محدود و وعده وعیدهای گمراه کننده آنها را اغوانماید.

هم چنین احزاب بورژوازی تلاش خواهند کرد تا با استفاده از نفوذشان در شهرها و با کمک دولت نپال و قدرتهای امپریالیستی و دولت های هندوچین توجه توده های شهری را به همین "دست آوردها" معطوف کرده و آنها را تطمیع و از رادیکال شدن افکار و خواستههای آنها و ادامه مبارزه در جهت سرنگونی نظام کهن ارتجاعی و ایجاد نظام نوین خلق منحرف سازند. به بیانی دیگر همه این قدرتها با شیوه ها و اشکال مختلف سعی خواهند کرد تا از پیشرفت و تکامل انقلاب جلوگیری کرده و به نحوی کوره مبارزه انقلابی خلق نپال را سرد سازند.

وضعیت جاری در نپال خصوصاً از آغاز سال (۲۰۰۷) باین طرف نشان میدهد که انقلاب نپال وارد مرحله

نهایت خطیری شده است. حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در جریان پراتیک مبارزات انقلابی اش یک "مرحله" تاکتیکی نهایت پرمخاطره ایراتجربه میکند. زیرا بادر نظر داشت متن قرارداد صلحی که بین حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و دولت نپال به امضارسیده است؛ مبارزه خلق و انقلاب نپال از جهات مختلف مورد تهدید قرار گرفته است. با آنهم آنها زمانی میتوانند اثرات این خطرات و تهدیدات را کاهش داده و یابه حداقل برسانند که بادر نظر داشت ماهیت و خصلت دشمنان طبقاتی شان در داخل و خارج و باتوجه به شیادیهات و توطئه گریهای طبقات ارتجاعی نپال و امپریالیزم و ارتجاع بین المللی، هرچه بیشتر دور اندیشانه عمل می کردند و موقعیت ارتش خلق و پایگاه انقلاب، هسته های دولت انقلابی، نهادهای انقلابی و تشکیلات شبه نظامی چریکهای خلق را در سراسر مناطق آزاد شده حفظ مینمودند. باین موضوع نیز باید توجه داشت که خلع سلاح ارتش خلق یا "ثبت و ذخیره سازی" آنها و توقف مبارزه مسلحانه از شور و حرارت انقلابی توده های خلق در دهات و شهرهای نپال خواهد کاست. هم چنین محصور کردن ارتش رهائیبخش خلق در کمپها احتمال خطر تاثیرات افکار ارتجاعی بوسیله عمال دولت بر آنها نیز وجود دارد. حزب کمونیست ایران (م ل م) در شماره (۲۰) حقیقت در صفحه چهارم مینویسد که: "حتی اگر مائوئیستها و اردو دولت موقت شوند و در مجلس موسسان شرکت کنند، تغییر کیفی در اوضاع نخواهد بود. تغییر کیفی، تبدیل "قدرت دوگانه" به قدرت یگانه مائوئیستها خواهد بود.

هر چند در آن قدرت یگانه، احزاب غیر مائوئیست نیز جای خود را خواهند داشت. اما قدرت شاه و قدرت ارتش باید درهم شکسته شود و نیروهای امریکائی از خاک نپال بیرون رفته و دولت هند دست از مداخله در امور نپال بکشد.

این نظر رفقای حزب کمونیست ایران (م ل م) در صورتی میتواند زمینه عملی پیدا نموده و به تحقق اصولی به انجامد که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و ارتش خلق خود را حفظ کرده و رهبری آن موقعیت خود را در مناطق تحت کنترل شان در دهات حفظ و آنرا مستحکم میکردند. و با استفاده از شرایط "صلح" بوجود آمده به تبلیغ و ترویج ایده های انقلابی و توضیح اهداف و استراتژی انقلاب در بین کارگران، توده های فقیر و روشنفکران در شهرها و دهات در سراسر کشور ادامه دهند. توده های خلق را هرچه بیشتر از ماهیت این تاکتیک شان آگاه کرده و ماهیت طبقات حاکمه (دولت) و توطئه ها و خیانتهای احتمالی آنها را هرچه بیشتر افشانمایند. زیرا خلقهای آگاه بهتر میتوانند از دست آورد های انقلاب پاسداری کرده و هوشیارانه توطئه های دشمن را درک کرده و به موقع آنرا خنثی کنند. لکن در چنین شرایطی که فعلاً حزب کمونیست نپال (مائوئیست) قرار گرفته است، امکان تولید اغتشاش در اذهان توده های مردم نپال نسبت به خطراتی که آینده انقلاب را تهدید میکند، نیز وجود دارد.

باید توجه جدی داشت که این تبدیل "قدرت دوگانه" به "قدرت یگانه" خلق و مائوئیستها، از طریق مجلس موسسان و شرکت در دولت موقت به آسانی میسر نخواهد شد. این مرحله مبارزه یعنی سرنگونی نظام کهن و تشکیل دولت دموکراتیک نوین دارای دشواریها و پیچیدگیهای زیادی است که پیش روی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و خلق نپال قرار دارد، خاصاً تحت چنین شرایطی که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) قرار گرفته است.

از اینکه رفقای حزب کمونیست ایران (م ل م) مینویسند که: "هرچند احزاب غیر مائوئیست در آن قدرت یگانه جای خود را خواهند داشت"، نیز موضوع قابل بحثی است؛ زیرا زمانی از احزاب غیر مائوئیست صحبت میشود باید موضوع آشکار شود؛ به بیان دیگر باید ماهیت ایدئولوژیک سیاسی و طبقاتی این احزاب توضیح گردد. وهم اینکه آنها در برابر انقلاب دموکراتیک نوین چگونه موضعگیری خواهند کرد، باید دقیقاً مورد ارزیابی قرار گیرد! تجربه مبارزات انقلابی خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین و رفیق مائوتسه دون در پیروسی انقلاب دموکراتیک نوین و شرایط پیروزی در آن کشور نشان داد که فقط احزاب واقعاً ضد امپریالیست و ضد ارتجاع متحد نزدیک خلق در جبهه متحد ملی و در شرایط دکتاتوری دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا بوده اند. امانه همه احزاب و گروه های ("دموکراتیک")!

بحث روی نکاتی از مصاحبه پراچندا با "آنان دورما":

پراچندا در مورد تاکتیک "درگیری و مذاکرات" با دولت نپال؛ او این حرکت را از موضع قدرت توصیف کرده و مذاکرات مائوتسه دون با "چایکانچیک" را در سال ۱۹۴۵ برای ایجاد دولت ائتلافی و اقدام لنین را در امضای "قرارداد صلح برست لیتوفسک" با دولت جرمنی مثال آورد.

پراچندا در مورد اینکه دولت سعی دارد تا ارتش رهاییبخش خلق را خلع سلاح کند، گفت: "آنها شکست خورده اند و ما پیروز شده ایم."

توضیح: لکن نظرم اینست که با مطالعه اوضاع فعلی نپال هنوز خواهد بود که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بتواند صحبت از پیروزی بنماید؛ یا هنوز زود است که بدون هیچ گونه توضیحی صحبت از پیروزی کامل شود. همچنین زود است که از شکست دولت نپال بتوان صحبت نمود. البته اگر منظور پیروزیهای خلق نپال و حزب کمونیست نپال (مائوئیست) باشد، خلق نپال در طی ده سال جریان انقلاب رهاییبخش پیروزیهای زیادی را بدست آورده و دولت ارتجاعی نپال شکست های سختی را از نیروهای انقلابی متحمل شده است. و در مورد کسب پیروزیهای که بعد از امضای موافقت نامه صلح بین حزب کمونیست نپال (مائوئیست) با حکومت نپال به امضای رسیده است؛ نظرم این است که اگر اوضاع بوجود آمده بعد از تظاهرات ها و اعتصاب های ماه اپریل ۲۰۰۶ خاصاً در جبهه داخلی به جهتی که فعلاً تحول

یافته است، تحول نمی یافت؛ باین عبارت که مسأله خلع سلاح ارتش رهاییبخش خلق در میان نمی بود و آنها در همان موقعیت قدرت قبلی شان باقی می ماندند و امتیازات فعلی را به دولت و نیروهای بورژوازی ندادند، گفته می توانستیم که آنها با کسب پیروزیهای قابل ملاحظه در طی ده سال اخیر، در شرایط فعلی از نظر نظامی و سیاسی در موقعیت نیرومندی قرار دارند. اما در برابر این اقدام تاکتیکی شان یعنی دست یابی به خواسته های دموکراتیک معین و داخل شدن به "پروسه صلح"، تن دادن به خلع سلاح ارتش خلق و شرکت در دولت و توقف مبارزه مسلحانه؛ هنوز زود است که از پیروزی قابل ملاحظه برای آنها صحبت نمود!

قبل از شرایط کنونی دولت نپال و طبقات حاکمه ارتجاعی در موقعیت نامناسبی قرار گرفته بودند. در طی سالهای اخیر از طرف نیروهای انقلابی نپال شکستهای زیادی را خصوصاً در عرصه نظامی متحمل شده و از موضع ضعف به این عقب نشینی ها تن در داده اند. آنها در حالتی که در طی چهار سال اخیر تضاد درون طبقات حاکمه عمدتاً هفت حزب پارلمانی با پادشاه نیز تشدید شده بود.

در مورد اینکه صحبت از شکست طبقات حاکمه است؛ باید خاطر نشان کرد که اگر اکثریت بخش فئودالها در دهات پایگاه شان را از دست داده اند، لکن هنوز بخش نسبتاً بزرگی از اراضی فئودالها در تصرف آنهاست و در شهرها مواضع خود را حفظ کرده اند. طبقه کمپرادور بوروکرات نیز قدرت اقتصادی و سیاسی خود را که عمدتاً در شهرها متمرکز است، حفظ کرده است. هنوز طبقه حاکمه نپال (در رأس آن دربار سلطنت) از حمایت و پشتیبانی بانی همه جانبه امپریالیسم و دولت های هندوچین در منطقه برخوردار است. شاه و احزاب سیاسی مختلف با کمک آمریکا، دولت هند و سایر قدرت های امپریالیستی و ارتجاعی سعی دارند تا شکاف ایجاد شده بین شان را ترمیم نموده و با اقداماتی متحد و هم آهنگ دوباره موضع شان را در برابر نیروهای انقلابی خلق تقویت کنند.

پراچند گفت: "اگر ما مسلح نبودیم دکتاتوری شاه به آسانی می توانست احزاب پارلمنتاریست را از بین ببرد. اما با خطراتی که ما مسلحیم، آنها زنده اند...".

این موضوع باید با در نظر داشت ماهیت و خصلت طبقاتی شاه و احزاب پارلمنتاریست و مناسبات بین آنها از نظر طبقاتی، مورد ارزیابی قرار گیرد؛ زیرا نظام سلطنت بر پایه قدرت طبقات فئودال و کمپرادور بوروکرات (که در واقع همین احزاب موثلفه منافع سیاسی و طبقاتی آنها را نمایندگی میکنند) و کمک و حمایت امپریالیسم و دولت هند، استوار است. به بیان دیگر همین احزاب بورژوازی بخش بزرگی از نظام نیمه مستعمره و نیمه فئودالی نپال وابسته امپریالیسم و دولت هند را تشکیل داده و ما در صد اصلاح، رنگ آمیزی و تداوم آن بوده اند. و لودر شرایطی تضاد بخشهای از این احزاب با دولت و پادشاه در رأس طبقات

حاکمه تشدیدگردید که تعدادی از رهبران این احزاب رابه زندان انداخت. حتی شاید در شرایطی پادشاه عده ای از این احزاب را منحل میکرد و یا حیثاً با طرح يك توطئه فردی یا افرادی را اعدام مینمود، باز هم تضاد این احزاب سیاسی باشاه خصلتاً از جمله تضاد دورن دسته بندیهای ارتجاع است.

زیرا در عمل دیده شد که با قدرت گرفتن نیروهای انقلابی و تهدید سرنگونی نظام فئودال کمپرادوری نپال بوسیله آنها طبقات حاکم دوباره با هم نزدیک شدند. پادشاه از موضع قبلی اش عقب نشینی کرده و امتیازاتی بیش از امتیازات قبل از چهار سال رابه آنها داد (که البته بخشهای عمده این امتیازات بوسیله فشار مبارزات توده های خلق و حزب کمونیست نپال (مائوئیست) بدست آمده است؛ از جمله پائین آوردن مقام شاه بیک موقعیت سمبولیک، سلب امتیازات مذهبی وی و مجبور کردن خانواده سلطنتی به پرداخت مالیات، اعلام يك نظام سیکولار و موارد دیگر که در مبحث قبلی ذکر گردید)؛ در غیر این حالت شاید امتیازات شاه برای احزاب پارلمانی در صورت کنار آمدن شان با هم، با همان گشایش دوباره پارلمان و امتیازات و اختیارات محدود دیگری خلاصه میشد. با آن هم همین احزاب پارلمانی يك نظام پادشاهی مشروطه را بر قدرت گرفتن نیروهای انقلابی و تشکیل دولت دموکراتیک خلق ترجیح میدهند.

در مورد دیگری پراچند میگوید: " این رهبران خود را گول میزنند و مشغول ارتکاب خودکشی اند، و اشنگتن و هند نمیتوانند آنها را نجات دهند. اگر این رهبران در چشم خلق، ثابت کنند که صادق و ثابت قدم اند آنگاه نجات سیاسی شان امکان پذیر خواهد بود."

توضیح: این موضوع نیز باید با در نظر داشت ماهیت و خصلت طبقاتی این احزاب و چگونگی تداوم روابط و مناسبات بین حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و این احزاب در نظر گرفته شود؛ زیرا آنها بنا بر سرشت طبقاتی شان در برابر حزب کمونیست (مائوئیست) و توده های خلق موضع خواهند گرفت و در آینده بر همین مبنای همکاری ادامه خواهند داد. آنها در تلاش اند، تا جای امکان و تا آخرین لحظه در مسند قدرت باقی بمانند و قدرت را در انحصار خود داشته باشند. حتی در صورتیکه با ثرفشار توده های مردم نظام سلطنت به نظام جمهوری تغییر شکل نماید آنها قبل از همه خواستار تاسیس دکتاوری طبقاتی خودشان هستند. موضع گیری عده ای از این احزاب بطرفداری نیروهای انقلابی و یا تصاحب قدرت چنانچه قبلاً ذکر شد بستگی به سرشت طبقاتی و موقعیت سیاسی آنها دارد. زیرا رهبران احزاب و گروه های واقعاً انقلابی و مترقی غیر پرولتری در چنین شرایطی که انقلاب نپال قرار گرفته است لاجرم باید سرنوشت سیاسی آینده شان را با سرنوشت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین توأم فکر کنند و در جهت سرنگونی نظام کهن فئودال کمپرادوری و قطع سلطه امپریالیزم و تشکیل دولت دموکراتیک خلق در کنار توده های خلق و حزب کمونیست نپال (مائوئیست) قرار گرفته و در جهت سرنگونی نظام کهن مبارزه کنند. بدون شك بخش بزرگ

احزاب پارلمانی نمایندگان طبقات ارتجاعی بورژوازی کمپرادور بوروکرات اندوکیجابامقام سلطنت ویابدون آن به کمک امپریالیزم ودولت هندوسایردولتهای ارتجاعی منطقه برای حفظ سلطه طبقاتی شان تاآخرین سرحدمقاومت خواهندکرد.

پراچندامیگوید: "اماماعتقدیم که اگرآنهائی که دردولت هستندخواستهاواحتیاجات مردم نپال رانفهمند، شانس شروع یک جنبش سوم موجوداست. امایک جنبش قاطع خواهدبود. اگراین رهبران قادربه درک احساسات مردم باشندآنگاه شانس برای برقراری جمهوری دموکراتیک برمبنای مجلس موسسان وبدون آغازیک جنبش موجوداست. اماتمایلات کنونی نشان دهنده آنست که این رهبران آنراخواهندفهمید."

توضیح: چنانچه قبلاًتصریح شدحتی اگرهمین ترکیب احزاب پارلمانی(البته باستثنای احزاب وگروه های واقعاََ مترقی ودموکراتیک که آگاهانه بقای شانرادرپیروزی جمهوری دموکراتیک نوین فکرکنندتادشرایط تداوم وبقای نظام شاهی فنودال کمپرادوری)؛ درعالی ترین شکل آن تاموقعی حاضربه همکاری باحزب کمونیست نپال(مائوئیست) وادامه فعالیت ازطریق مجلس موسسان ودولت ائتلافی خواهندبودکه بیک شاهی مشروطه وصدراعظم دارای اختیارات وصلاحيتهای زیادویا تغییرنظام سلطنتی به جمهوری دموکراتیک (بورژوائی) دست یابند.

ازآنجاییکه خواست واقعی توده های مردم وپیروزی آنهاتشکیل دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری حزب طبقه پرولتاریاست. وجناح بورژوازی میهن پرست، احزاب، گروه وافرادواقعاََ ضدارتجاع وضدامپریالیزم دردولت دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریاشرکت خواهندکرد. زیرا درکشورهای نیمه فنودالی ونیمه مستعمره نیروهای مترقی عمدتاًمتشکل ازجناح"چپ"بورژوازی ملی وخرده بوژوازی ونیروهاوعناصردموکرات انقلابی اندکه درکنار پرولتاریادصرف انقلاب ضدفنودالی وضدامپریالیستی قرارمیگیرند. این مطلب قابل تذکراست که طبقه بورژوازی ملی نظریه خصلت طبقاتی وموقعیت اقتصادی اش درشرایط انقلابی درکشورهای تحت سلطه همیشه بین دولت حاکم ونیروهای انقلابی درنوسان است.

اماحضورهمین هفت حزب موتلفه ونیروهاوگروه های دیگرکه درمجلس موسسان راه خواهندیافت، خواستههای سیاسی متفاوتی دارندکه حتی باخواستههای حداقل توده های خلق مطابقت نداردواین تفاوت براساس موقعیت وخواست طبقاتی آنهاست. دولتی هم که بعدازمجلس موسسان بااین ترکیب طبقاتی ایجادشود؛ فقط نیروهای انقلابی شامل دردولت آینده هدف مندانه به توده های خلق خدمت خواهندکرد.

پراچندا میگوید:"درصورت عدم همکاری احزاب پارلمانی باحزب کمونیست نپال(مائوئیست) درجهت

تحقق خواسته‌های پیشنهادی آنها، جنبش سوم شروع خواهد شد".

آیا آنها این جنبش سوم وقایع را آنهم در شرایطی که ارتش رهائیبخش خلق خلع سلاح شده است، چگونه شروع خواهند کرد؟ و در آن صورت آن جنبش لاجرم يك جنبش سیاسی خواهد بود که در شهرها و دهات براه خواهند انداخت.

از طرح پیشنهادی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) چنین برمی آید که این طرح از نظر محتوی در پیروسه انقلاب دموکراتیک نوین يك مرحله را در بر میگیرد. و ارزیابی ما از ماهیت دولتی که بعد از تدویر مجلس موسسان و تدوین و تصویب قانون اساسی جدید در آینده تشکیل خواهد شد، چنین است که آن دولت يك دولت دموکراتیک بورژوائی خواهد بود. و یائینکه رفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) این مرحله و یائین شرایط را طور دیگری تعریف خواهند کرد!

پراچندا میگوید: "ممکن است اعلان جمهوری زودتر بوقوع به پیوندد. کوشش ما بر آن است که این انتقال بطور مسالمت آمیز پیش رود." پراچندا توده ها و نیروهای مترقی شهری را مورد خطاب قرار داده و میگوید: "ما بعد از آنکه ریشه های کهن ۲۲۷ ساله فئودالیزم را در روستاها درهم کوبیدیم به کاتمندو آمدیم. اکنون نوبت شماست که امکان انقلاب بعدی را بوجود آورید. اما زمان آن رسیده که شما برخیزید و مقاومت کنید ما در این راه در کنار شما خواهیم بود."

توضیح: زمانی در شرایط فعلی صحبت از امکان انقلاب بعدی است؛ استنباط چنین است که شرایط فعلی باید در موردش هم يك "انقلاب" محسوب شود؛ لاکن در کشورهای نیمه مستعمره و نیمه فئودالی پیروسه انقلاب ملی دموکراتیک یا انقلابی دموکراتیک نوین پیروسه واحدی است. و صحبت از بوجود آوردن امکان انقلاب بعدی تا حدی موضوع مبهمی است. زیرا انقلاب دموکراتیک نوین در نپال با سرنگونی نظام پادشاهی و قطع کامل سلطه سیاسی طبقات حاکمه ارتجاعی فئودال و کمپرادور بوروکرات و سلطه امپریالیزم و دولت ارتجاعی هند امکان پذیر میگردد. و در آستانه آغاز اعتصابات و تظاهرات اهرامه ماه اپریل سال گذشته، نیروهای انقلابی نپال تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از نظر تکامل مبارزه نظامی به مرحله تعادل استراتژیک رسیده بودند و پایتخت و سایر شهرها را به محاصره داشتند. در آن شرایط البته آنچه که ما در زمینه فکر می کردیم) به احتمال قوی این امکان تا حدی بوجود آمده بود که نیروهای انقلابی با همکاری و مبارزه توده های شهری نظام سلطنت را سرنگون و انقلاب دموکراتیک نوین را به پیروزی برسانند. اما چنانکه رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) با ارزیابی از اوضاع داخلی و بین المللی در زمینه اظهار نظر کرده و بنا بر مصلحت مبارزاتی شان تصمیم بجهت توقف مبارزه مسلحانه و پیشبرد يك مبارزه سیاسی گسترده و آغاز همکاری با هفت حزب پارلمانی و شرکت در دولت را گرفتند، بستگی به

صوابدید خودشان دارد. لکن برداشت ماینست که بدون ادامه مبارزه ارتش رهائیبخش خلق به کمک و حمایت توده های شهری و اعمال قهر انقلابی سرنگونی نظام فئودال کمپرادوری شاهي نپال قطع سلطه امپریالیزم و دولت هنداز نپال ممکن نخواهد گردید.

بکاربرد مفهوم واگذاری " امکان انقلاب بعدی " يك موضع صریح نیست؛ و موضع حزب کمونیست نپال (مائونیست) در این زمینه باید کاملاً روشن و قاطع میبود؛ زیرا بدون حفظ ارتش انقلابی خلق (البته در اینجادر شرایط فعلی بیشتر منظور حفظ اسلحه و قدرت نظامی ارتش آزادیبخش خلق است)، حفظ پایگاه انقلاب در دهات و ادامه مبارزه انقلابی ارتش خلق، سرنگونی نظام فئودال کمپرادوری و سلطه امپریالیزم و دولت هند امکان پذیر نخواهد بود.

بادر نظر داشت ترکیب طبقاتی اهالی شهرها و آخرین سنگر ارتجاع پیشبرد مبارزه جهت پیروزی نهائی انقلاب امر دشواری است و انجام این امر مسترک فقط از عهده ارتش انقلابی خلق است که با وحدت و همکاری توده های خلق در شهرها و دهات تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائونیست) میسر میشود.

خبرنگار از پراچندا در مورد استقرار ارتش خلق در کمپهای در اطراف کتند و پرسید؛ اوصحبت از کوشش در راه صلح نموده و گفت: " اگر دشمن مشکلی را بوجود آورد آنگاه این به مفهوم يك آمادگی است و اگر پیروسه صلح بدون اشکال و به آسانی ادامه یابد آنگاه این به مفهوم همکاری است."

تبصره: صحبت از ادامه پیروسه صلح به چه مفهوم است؛ رابطه بین پیروسه صلح و مفهوم " امکان انقلاب بعدی " از چه قرار است؟ که باید رهبران حزب کمونیست نپال (مائونیست) آنرا بیشتر توضیح می نمودند. زیرا در اینجاسرنوشت آینده انقلاب خلق نپال مطرح است. پیروسه صلح و همکاری با طبقات ارتجاعی حاکم (که از حمایت همه جانبه امپریالیزم و دولت هند برخوردار هستند) تا چه زمانی ادامه خواهد یافت و یا اینکه امکان تداوم آن چگونه خواهد بود؟ آیا تصور این خواهد بود که بالاخره طبقات ارتجاعی از طریق فشار مبارزه سیاسی توده های خلق مجبور به واگذاری قدرت دولتی به نیروهای انقلابی خواهند گردید؟ و یا اینکه بوسیله قهر انقلابی باید از قدرت بزیر کشیده شوند! که راه دوم یگانه راه اصولی و انقلابی ممکن است.

پراچندا میگوید: "تکامل دموکراسی در قرن بیست و یکم" و "اصل پافشاری براستراتژی و انعطاف در تاکتیک" در این شرایط مطرح است. باز هم اوتکرار میکند که: "لازم است (شعارهای) دموکراسی نوین خلق، تشکیل مجلس موسسان و جمهوری دموکراتیک را اساساً در رابطه درونی و متقابل بین پافشاری براستراتژی و انعطاف در تاکتیک درک کنیم."

در جای دیگر در همین مورد چنین میگوید: "استفاده از پارلمان برای تدارک جنگ خلق در شرایط سال (۱۹۹۱) صورت گرفت و پافشاری براستراتژی و انعطاف در تاکتیک (در شرایط فعلی) مطرح است."

توضیح: محتوی این صحبت رامچنین درك مینمائیم؛ که همین پیشبردبرنامه صلح، تشکیل مجلس موسسان، لغونظام سلطنت وایجادجمهوری دموکراتیک محتوی سیاسی این "مرحله" تاکتیکی راتشکیل میدهد. واصولاً این مرحله تاکتیکی بایددرفراهم آوری امکانات وشرایط برای تحقق استراتژی پروسه انقلاب دموکراتیک نوین خدمت کند.

لیکن سیرانکشافات رویدادهادرماه های اخیرازجمله آغازبرنامه خلع سلاح ارتش خلق ومحصورماندن نیروهای ارتش خلق درپادگانها تحت نظارت نیروهای ملل متحدویانیروهای ملل متحدودولت نپال وصحبت درموردانحلال هسته های قدرت خلق درمناطق روستائی(پایگاه اصلی ومهم انقلاب خلق نپال)، دورنمای روشنی به نظرمنی رسد.

پراچندامیگوید: "حزب مابعدازدرس آموزی ازتجارب انقلاب وضدانقلاب قرن بیستم مسأله تکامل دموکراسی مردمی درقرن بیست ویکم راطرح کردودرتطابق باآن رقابت چندحزبی رادرون چارچوب قانون اساسی ضدفئودالی وضدامپریالیستی پذیرفته است. امامسأله مجلس موسسان وجمهوری دموکراتیک رابایدبرحسب پافشاری براستراتژی وانعطاف درتاکتیک، درنظرگرفت. هنگامیه هنوزدرمراحل اولیه مبارزه هستیم نمی توانیم ویژگیهای دوران اداره یک رژیم راطلب کنیم وهنگامیکه به مرحله اداره یک رژیم رسیده ایم نمی توانیم همان صف آرائی مختص مراحل اولیه مبارزه را انتظارداشته باشیم. اینهازماتریالیزم دیالکتیک بدوراست." اوچنین ادامه میدهد: "بعدازدوران لینن، حزب کمونیست نپال(مائوئیست) شاید نخستین حزبی باشدکه توانسته است واردپارلمان شودوبعدبیرون آمده وپیروزمندانه راه جنگ خلق رادریپیش گیرد."

پراچندامیگوید: "مابخاطربرخی ازکمبودهابه این استراتژی جدیدمتوسل نه شدیم درواقع سعی مابران است که پس ازافزایش توان مان به پیش روی ادامه دهیم. بایدفهمیدکه تغییرسیاست مایکینوع عقبگردنیست، بلکه ناشی ازقدرتی است که جنگ خلق به ماداده است. ثانیاً: مابخاطرتناسب نیروهای بین المللی ناچارشدیم دروظایف مان تغییراتی دهیم. امادلیل اول عمده است. هر حزب انقلابی بابدست آوردن توان کافی ازامکان انعطاف پذیری بیشتردرراه کسب قدرت سیاسی برخوردارمیشود. این امردرچین نیزبوقوع پیوست. مذاکرات مائوتسه دون باچایکانچیک درسال ۱۹۴۵ برسرایجادیک دولت ائتلافی. اوگفت: فعلاًدرنپال شرایطی ایجادشده است که هیات حاکمه نپال برای ترمیم انشقاق بین شان اندکه یک سال قبل بامنحل کردن پارلمان وبدست گرفتن قدرت وصلاحیت صدراعظم بدست شاه، بوجودآمده بود."

این موضوع درست است که یک نیروی انقلابی پرولتری باتحلیل اوضاع کشورش واوضاع جهانی وشرایط

مبارزه اش میتواند تاکتیکهای نامتناسب با شرایط مشخص کشورش در جهت پیشرفت مبارزه اش بکارگیرد، که به استراتژی مبارزاتی اش خدمت کند. از جمله در مورد تصمیم شرکت گروه پراچنداد پارلمان در سال (۱۹۹۱)؛ وی اینکه در شرایط فعلی شرکت حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و نیروی انقلابی خلق بانبروهای ارتجاعی (دولت) وارد مذاکره شده و باتوافق آتش بس بیای امضای موافقت نامه صلح رفتند و شرکت در پارلمان و دولت. واضح است که این دو حرکت هر کدام در شرایط عینی مشخص و عملکرد فکتورهای معین، جهت پیشرفت مبارزه و تحقق استراتژی انقلابی آن باید صورت گرفته باشد.

اگر آنها در شرایط سال (۱۹۹۱) به پارلمان شرکت کردند و با استفاده از تریبون پارلمان ماهیت دولت ارتجاعی را به نحو گسترده تری برای مردم نپال افشان نمودند. و به همین ترتیب افشای ماهیت نهاد پارلمان را که رژیمهای سرمایه داری امپریالیستی و رژیمهای ارتجاعی فئودال کمپرادوری در کشورهای شان از آن بحیث یک نهاد "دموکراتیک" و "مردمی" در جهت فریب توده های مردم استفاده میکنند؛ امر علیحده ایست. و آنها در آن وقت از یک مبارزه تاکتیکی (مبارزه در درون پارلمان ارتجاعی) به یک مبارزه استراتژیک و عالی ترین شکل مبارزه طبقاتی یعنی آغاز جنگ خلق از روستاهای کشور، ارتقا کردند. ولی در شرایط فعلی که بعد از ده سال ادامه جنگ خلق، تشکیل ارتش رهایی بخش خلق و ایجاد ساختارهای انقلابی خلق در مناطق روستائی که ۸۰ درصد رقبه خاک نپال را در بر میگیرد و به لحاظ نیرومندی نظامی به مرحله تعادل استراتژیک رسیده بودند؛ این تغییر مسیر مبارزه و اتخاذ پالیسی رفتن بیای امضای قرارداد صلح با دولت ارتجاعی (یعنی دشمنان سوگند خورده خلق نپال) و شرکت در مجلس موسسان و دولت ائتلافی، آنها به شرایطی که ارتش خلق باید خلع سلاح شود و ساختارهای انقلابی خلق در دهات منحل گردد؛ این دو شرایط و این دو تاکتیک از نظر ماهیت با هم تفاوت کیفی دارند.

در همین مورد این سؤال مطرح میشود که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از امضای معاهده صلح با دولت و رفتن در مجلس موسسان و شرکت در دولت ائتلافی آینده چه دست آوردی را در جهت پیشرفت و تکامل انقلاب، مدنظر دارد؟ در شرایط همکاری با طبقات ارتجاعی در دولت چگونه خواهد توانست جهت پیشرفت مبارزه طبقاتی به منظور بسیج بیشتر توده های خلق بخاطر سرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی و سلطه امپریالیزم و دولت هند، به فعالیتهای انقلابی اش در سطح جامعه ادامه دهد؟ در حالیکه ملزم به رعایت مفاد قراردادی است که با طبقات ارتجاعی امضا کرده است. به هر صورت سیر رخدادها در آینده این مسایل را هر چه بیشتر آشکار خواهد ساخت.

پرچند اصحبت از "جنبش انقلابی قرن بیست و یکم" نموده لکن او در زمینه توضیحاتی ارایه نکرده است. لکن درک ما از مفهوم "جنبش انقلابی قرن بیست و یکم" طوریکه در اسناد جنبش انقلابی اترناسیونالیستی

نیز مطرح شده است؛ ارزیابی از مبارزات انقلابی کنونی نیروها و خلقهای انقلابی جهان و دورنمای تحول به جهت کسب پیروزیهای بیشتر آنها خاصاً در کشور نیپال؛ و نیز پیشرفت و گسترش مبارزات نیروهای انقلابی پرولتری و خلقها و ملل تحت ستم علیه امپریالیزم و ارتجاع و تشکیل پایگاه های انقلابی پرولتری در نقاط دیگری از جهان مدنظر است. یعنی پیروزی انقلابات دموکراتیک نوین و انقلابات سوسیالیستی در کشورهای مختلف جهان و تشدید مبارزات رهائیبخش خلقها و ملل تحت ستم در قرن بیست و یکم و هم چنان تداوم و گسترش جنبش ضد سرمایه داری، جنبش ضد جنگ و جنبش مقاومت خلقها علیه امپریالیزم جهانی خاصاً بر قدرت امپریالیستی امریکامیباشد.

موضوع تکامل دموکراسی در قرن بیست و یکم: به نظر ما مقوله دموکراسی که در طول تاریخ همپا با رشد و تکامل مبارزات طبقاتی توده های خلق رشد و تکامل یافته است؛ در این قرن نیز رشد و تکامل کیفی دموکراسی بحیث یک پدیده مشخص طبقاتی مطرح است. و آنچه که مهم است این است که نیروهای انقلابی پرولتری با در نظر داشت شکل و مضمون دموکراسی و مشخصه طبقاتی آن در تکامل دادن مضمون و شکل دموکراسی که عالی ترین شکل آن همانا دموکراسی پرولتری است، توجه جدی مبذول دارند. پرولتاریا و احزاب کمونیست انقلابی بعد از پیروزی انقلابات دموکراتیک نوین و انقلابات سوسیالیستی در کشورهای شان، باید مبارزه ایدئولوژیک سیاسی را علیه بورژوازی و سایر طبقات و اقشار شکست خورده یعنی مبارزه طبقاتی تحت دکتاتوری پرولتاریا را هر چه اصولی تر و قاطع تر ادامه دهند. هم چنان مبارزه را در جهت ارتقای سطح آگاهی ایدئولوژیک سیاسی توده های خلق و سهیم ساختن هر چه بیشتر آنها در قدرت دولتی؛ تکامل دموکراسی پرولتری و تحقق منافع طبقه پرولتاریا و سایر زحمت کشان تا محو کامل طبقات و رسیدن به جامعه کمونیستی بدون وقفه ادامه دهند.

پراچند بعد از اینکه پالیسی فعلی حزب (انعطاف پذیری) حزب را "بدست آوردن توان کافی از امکان انعطاف پذیری بیشتر در راه کسب قدرت سیاسی" توجیه میکند؛ پالیسی و تصمیم حزب کمونیست چین و مذاکرات مائوتسه دون را با چانگ کایچک در سال (۱۹۴۵) مثال می آورد. "بلی! مائوتسه دون در آن شرایط بعد از طرح خواسته های اساسی خلق چین و ارزیابی از وضع بین المللی و داخلی چین در آن زمان برنامه خاص حزب کمونیست چین را در برابر دولت چین قرارداد که پذیرفته نشد. حزب کمونیست چین پس از جلب رضایت احزاب دموکراتیک دیگر در سپتامبر (۱۹۴۴) از شورای سیاسی ملی خواستار شد که به منظور پیروزی بر متجاوزین ژاپنی و بنای یک چین نو و جلوگیری از جنگ داخلی بی درنگ به حکومت دیکتاتوری یک حزبی گومیندان پایان داده شده و یک دولت ائتلافی دموکراتیک تشکیل گردد. او این خواست را بجا و بموقع خواند که از پشتیبانی گرم توده های وسیع چین برخوردار بود.

مائوتسه دون دورنماراچنین توصیف نمود: "درپرتووضع عمومی وشرایط بین المللی وداخلی کنونی؛ من ازهمه تقاضامیکنم که هوشیاری خودراازدست ندهندودراین انتظارنباشندکه امرآسان وبدون اصطکاک پیش رود. نه چنین نخواهدبود. درواقع دوامکان، دودورنما دربرابرماست: یکی خوب ودیگری بد. یک امکان یادورنمایین است که دیکتاتوری فاشیستی ادامه خواهدیافت، اصلاحات دموکراتیک بعمل نخواهدآمد؛.... اماجنبه دیگری نیزهست وآن این بارنیزدرپرتووضع عمومی وتحلیل فوق ازاموربین المللی وداخلی مامیتوانیم حس اعتمادوجسارت رادرخودجمع کنیم وبرای امکان دورنمای دوم بکوشیم. این امکان عبارت است ازغلبه کردن برتمام مشکلات، متحدساختن قاطبه مردم، برانداختن دیکتاتوری فاشیستی گومیندان واجرای اصلاحات دموکراتیک، تحکیم وتوسعه نیروهای ضدژاپنی، پیروزی کامل برمتجاوزین ژاپنی وبنای چین آزاد، مستقل، دموکراتیک، متحد، آبادونیرومند".^۱

مائوتسه دون بعدازتوضیح برنامه عام حزب درموردکسب پیروزی برمتجاوزین جاپانی وسرنگونی دکتاتوری فاشیستی گومیندان (سرنگونی دیکتاتوری مالکان بزرگ ارضی وبورژوازی بزرگ) وتشکیل دولت دموکراتیک نوین راتوضیح کرده ودرآن شرایط برنامه خاص حزب کمونیست چین راچنین ارائه نمود: "حزب ماهم چنین بایدبرپایه این برنامه عام، برای هر دوره برنامه خاص داشته باشد. برنامه عام دموکراسی نوین ما درتمام مرحله انقلاب بورژوا دموکراتیک یعنی برای چنده سال بلاتغییرباقی خواهدماند. اما درطول این مرحله، از دوره ای بدوره دیگر شرایط تغییر کرده اندیاتغییر میکنندوکاملأطبیعی است که مانیزبرنامه خاص خودرامتناسب باشرايط تغییردهیم.

خواستهای که حزب کمونیست چین بنام خواستهای متناسب وحدافل درآن شرایط مطرح نمود، مهم ترین آنهاازاین قراربود: بسیج تمام نیروهای موجودبخاطرپیروزی کامل برمتجاوزین ژاپنی وبرقراری صلح بین المللی باهمکاری بامتفقین؛ برانداختن دیکتاتوری یک حزبی گومیندان واستقرار دولت ائتلافی دموکراتیک وفرماندهی عالی مشترک؛ مجازات عناصرهوادارژاپن، فاشیستهاوشکست طلبان که وحدت ملی رابرهام میزنندوباخلق مبارزه میکنندوازاین طریق کمک به ایجاد وحدت ملی؛ مجازات مرتجعین که موجدخطر جنگ داخلی اندوازاین طریق کمک به تامین صلح داخلی؛ مجازات خائنین به ملت ودست زدن به عملیات کیفی علیه افسرانی که بدشمن تسلیم میشوند، ومجازات عمال ژاپن؛ انحلال دوایرعمال مخفی ارتجاعی وازمیان بردن بازداشتگاه ها؛ الغاء قوانین وتصویب نامه های ارتجاعی که هدف آنها محوآزادیهای خلق مانندآزادی بیان، مطبوعات، اجتماعات، جمعیتها، عقایدسیاسی، معتقدات مذهبی وآزادی فردی وتضمین حقوق مدنی کامل برای خلق؛ قانونی شناختن تمام احزاب وگروه های دموکراتیک؛ آزادی تمام زندانیان سیاسی میهن پرست؛ اعطاء حقوق دموکراتیک به خلق چین؛

برانداختن سرمایه بوروکراتیک و اصلاحات اقتصادی و کمک به صنایع خصوصی؛ بهبود شرایط زندگی کارگران و بیکاران و دیگر تامينات رفاهی برای آنها؛ برانداختن تاثیر افکار گومیندان از محیط آموزش و پرورش و ایجاد آموزش و پرورش فرهنگ ملی، علمی و توده ای، تامينات رفاهی برای آموزگاران و حمایت از منافع جوانان، زنان، کودکان و فراهم آوری امکانات تحصیلی برای همه؛ تضمین وضع بهتر برای اقلیت‌های ملی و اعطاء حقوق خودمختاری به آنها؛ حمایت از منافع چینی‌های ماوراء بحار و کمک به آنهایی که به مام میهن بازگشته اند؛ بهبود روابط چین و شوروی؛ حفظ و تقویت ارتش خلق و اصلاح سیستم ارضی در جهت آزادی دهقانان.

ملاحظه میشود که مائوتسه دون طرح مترقی ایرابری تشکیل يك دولت ائتلافی در شرایطی ارایه نمود که هنوز بخش‌های از کشور چین در اشغال نظامی و تحت سلطه استعماری جاپان قرار داشت و مبارزه ملی جهت حصول استقلال و آزادی کشور چین و نجات خلق چین از سلطه استعماری و بردگی فاشیست‌های جاپانی، از ارجحیت برخوردار بوده و نیاز بیک جبهه متحد ضد جاپانی وسیع که حتی دولت ارتجاعی گومیندان را نیز در بر می‌گرفت، بود. در موارد دیگر بین پیشنهادات حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از جمله لغو نظام سلطنت و تشکیل جمهوری دموکراتیک در نپال و نکاتی چند از پیشنهادات حزب کمونیست چین در آن زمان در جهت ختم سیستم يك حزبی گومیندان برای تشکیل دولت ائتلافی، تاحدی مشابهت‌های وجود دارد. پیشنهادات حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از جمله: لغو سلطنت و تشکیل جمهوری دموکراتیک، آزادی زندانیان سیاسی، حق تعیین سرنوشت برای ملل تحت ستم و اعطای خودمختاری منطقه ای برای آنها و قبول ساختار فدرالی در دولت نپال؛ زمین از آن کشتگر، سیاست اقتصادی مستقل، تامين حقوق اساسی خلق در زمینه آموزش، بهداشت و اشتغال و حقوق خاص برای کاست‌های سرکوب شده (دالیت‌ها یا "نجسها") و حقوق زنان.

مواردی از خواست‌های پیشنهادی بوسیله حزب کمونیست چین در آن زمان از جمله: برانداختن دیکتاتوری يك حزبی گومیندان و تشکیل دولت ائتلافی دموکراتیک، قانونی ساختن تمام احزاب و گروه‌های دموکراتیک، آزادی تمام زندانیان سیاسی، اعطای حقوق دموکراتیک به خلق چین، بهبود شرایط زندگی کارگران و بیکاران، تضمین وضع اقلیت‌های ملی و اعطای خودمختاری به آنها، اصلاح سیستم ارضی در جهت آزادی دهقانان و غیره.

اما حزب کمونیست چین علاوه بر طرح خواست‌های مترقی و دموکراتیک؛ بر حفظ و تقویت ارتش خلق، حفظ و تحکیم مناطق پایگاهی و سایر خواست‌های که موقعیت حزب کمونیست چین و توده‌های خلق را در حفظ مواضع قدرت آنها در برابر متجاوزین جاپانی و دولت گومیندان تقویت میکرد، پافشاری کرده

و تاکید زیاد داشت.

امامشکل اساسی در مورد تعهدات حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در دادن امتیازاتی به دولت در پیرویه صلح و طرح پیشنهاداتی در برابر آن، زمانی بیشتر آشکار گردید که سرویس خبری بی بی سی در سایت انترنیتی اش آغاز خلع سلاح ارتش رهاییبخش خلق نپال را با شرح گزارشی چنین اعلام نمود: "ناظران ملل متحد اعزامی به نپال مأموریت خود را برای خلع سلاح داوطلبانه شورشیان مائوئیست این کشور را از روز دوشنبه ۸ جنوری ۲۰۰۷ آغاز نمود. موضوع را چنین ادامه میدهد: گروه ناظران خلع سلاح سازمان ملل متحد از نوزده نفر شامل نظامیان شاغل و بازنشسته از کشورهای مختلف از جمله اردن، یمن و کانادا، به نپال اعزام شده اند تا برنامه خلع سلاح شورشیان و واحدهای ارتش این کشور را به اجرا بگذارند.

خلع سلاح داوطلبانه مائوئیستها طبق توافق صلح بین شورشیان و دولت نپال در ماه نوامبر سال گذشته اجرا میشود. این توافق به ده سال جنگ مسلحانه بین شورشیان و ارتش نپال خاتمه میدهد که در جریان آن حدود ۱۳ هزار نفر جان خود را از دست دادند. توافق صلح پس از بحران سیاسی دو ساله نپال به دست آمده که در نتیجه آن، اصلاحاتی در نظام حکومتی این کشور صورت گرفته و از جمله از اختیارات پادشاه کاسته شده است.

انتظار میرود بر تعداد ناظران اعزامی سازمان ملل متحد به سرعت افزوده شود و شمار آنان در خلال ماه های آینده به حدود یکصد و پنجاه نفر برسد. افزایش شمار ناظران به گزارش دبیرکل سازمان ملل متحد بستگی دارد که روز پنجشنبه این هفته در جلسه شورای امنیت مطرح خواهد شد. ناظران در حال حاضر در کاتماندو پایتخت، و شهر نپال گنجی، واقع در غرب نپال مستقر خواهند شد و قرار است گروه های برای بازرسی هفت اردوگاه اعزام کنند. این اردوگاه ها اخیراً برای استقرار اعضای شبه نظامیان شورشی ایجاد شده اند.

جمع آوری اسلحه:

از هفته آینده، گروه اعزامی سازمان ملل اسلحه های شورشیان را تحویل میگیرد و در کاتینرهای مخصوصی که برپاشده انبار خواهد کرد. از جمله نفراتی که قرار است تا اعزام نفرات بیشتر از سوی سازمان ملل متحد در امر جمع آوری اسلحه شرکت کنند اعضای بازنشسته واحد "گورکا" در ارتشهای هند و بریتانیا هستند. واحدهای "گورخا" از داوطلبان نپالی تشکیل یافته است که برای دوره ای مشخص در نیروهای نظامی بریتانیا و هند خدمت میکنند. گفته میشود که با وجود ایجاد اردوگاه های برای استقرار شورشیان، هنوز هم بسیاری از آنان در خانه های مردم عادی پناه گرفته اند یا در حال فرار هستند. مائوئیستها همچنین از پذیرش کمک های پیشنهاد شده برنامه غذای سازمان ملل متحد آکراه دارند. با این

همه انتظار می‌رود پس از آغاز برنامه تحویل اسلحه، زمینه عضویت مائوئیست‌ها در دولت انتقالی نپال در ماه جون هموار شود. قرار است در مراحل بعدی، ارتش ملی نپال نیز، که وعده داده است تنها در سربازخانه‌ها باقی بماند، تجهیزات خود را به همان میزان اسلحه‌ای که از مائوئیست‌ها تحویل گرفته شود، کاهش دهد. تعدادی از شبه نظامیان مائوئیست نیز به عضویت ارتش ملی نپال در خواهند آمد.

گرچه تعویق در اجرای بخش‌هایی از توافق صلح دولت و شورشیان باعث بروز بدبینی در مورد اجرای کامل این توافق شده بود، ولی ناظران امیدوارند که با مداخله سازمان ملل، این توافق به طور کامل اجرا شود. هم‌چنان بتاريخ ۱۵ جنوری ۲۰۰۷ بی بی سی اعلام داشت که: "پارلمان نپال بایک قانون اساسی جدید انتقالی موافقت کرده است که راه را برای ورود شورشیان مائوئیست به پارلمان، برای اولین بار، آماده کرده است. پارلمان دومجلسی نپال اکنون منحل شده و یک مجلس واحد جانشین آن شده است. مجلس جدید دوشنبه ۱۵ جنوری، اولین جلسه خود را تشکیل می‌دهد و یک چهارم اعضای این مجلس (۲۲۰ نفره) از مائوئیست‌ها خواهد بود. شمار قابل توجهی از نمایندگان مائوئیست هارازنان و گروه‌های به حاشیه رانده شده اجتماعی و فعالان جامعه مدنی تشکیل می‌دهند. یک ژنرال بازنشسته ارتش نپال نیز که جمهوری خواه است از جمله نمایندگان مائوئیست هادرمجلس است."

به همین رابطه در سرویس خبری "جهانی برای فتح" و در سایت اینترنتی "Krishnasenonline.org" چنین آمده است که: "از (۲۲۰) عضو پارلمان یک اتاقه قانون گذار که تماماً همان اعضای پارلمان سابق هستند که بوسیله پادشاه منحل شد، با استثنای هیات نمایندگی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که از (۸۲) عضو آن از جمله ۲۸ نفر زن، ۱۲ نفر دالیت، ۲۲ نفر از یک گروه قومی بومی بنام "جانا جاتیس" و ۲۱ نفر از "تیرای" از منطقه جنوب مرز هند که سالها تحت ستم حکومت مرکزی نپال بودند."

سرویس خبری بی بی سی علاوه نمود که: "حزب کمونیست نپال (مائوئیست) موافقت کرده است که بعد از انتخابات آینده، تصویب قانون موقت، حکومت عبوری و اسامبله قانون گذار، به یک دهه جنگ طولانی خلق که ارتش سلطنتی را از سراسر کشور بیرون راند، ساختار قدرت انقلابی خلق را منحل می‌کند و ارتش خلق در هفت اردوگاه انتقال می‌آید."

این سرویس خبری افزود که بتاريخ ۱۶ جنوری ۲۰۰۷ ثبت سلاح‌های ارتش رهائی بخش خلق آغاز شده است، سلاح‌ها در کانتینرهای آهنی قفل‌دار ذخیره می‌شوند. و بر اساس قراردادی که همراهی ملل متحد شده است، این سلاح‌ها و به همین تعداد اسلحه از ارتش دولت نپال، تقلیل یافته و بوسیله (۱۱۱) نفر از نظامیان "گورخا" نظارت می‌شود."

"کریشنا بهادر" عضو کمیته مرکزی و عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) رئیس گروه پارلمانی

دراولین جلسه پارلمان جدیدگفت: "امروز آغاز یک تاریخ جدید است که هرگز خلق نپال این فرصت رانیافته بود که قانون اساسی اشرابنویسد. حال خلق میتواند قانون اساسی اشرابنویسد، قانون اساسی بوسیله اسامبله قانونی که یک تعهد بزرگ از قانون اساسی موقت است". امروز یک روز تاریخی است هم چنان یک دوره توازن قدرت سیاسی. در اصل سندی که ختم پادشاهی و تاسیس یک جمهوری دموکراتیک را اعلام میدارد."

طبق "نپال نیوزکام" کریشنا بهادر علاوه میکند که: تنها اسامبله قانونی یک "قانون مکمل" را اقامه خواهد کرد، او تکرار نمود که موضع حزب ما طرفداری از یک رفورم ارضی انقلابی، تجدید ساختار دولت و تشکیل یک ارتش ملی است. نپال جدید آزاد از زندان فئودال و مداخله خارجی تعهد است و ما روی آن استوار هستیم. هم چنان "نپال نیوزکام" از قول کریشنا بهادر چنین مینویسد: "دوستان انقلاب نپال در سراسر جهان مشاهده خواهند کرد و رویدادها آشکارکننده در پرتو هدف تکمیل انقلاب دموکراتیک نوین و پیش رفت و تداوم در راه سوسیالیسم و کمونیسم خواهد بود."

امادرموضوعات اخیر و موضوع بیش از همه قابل غور و تعمق است. یکی مسأله خلع سلاح ارتش آزادیبخش خلق و محصور ماندن نفرات ارتش خلع سلاح شده در کمپها؛ دیگری موضوع منحل کردن ساختار انقلابی خلق در مناطق تحت کنترل حزب کمونیست نپال (مائوئیست)؛ - هم چنان موضوع کمیت نمایندگان خلق تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که یک چهارم اعضای پارلمان فعلی را تشکیل میدهد. که از جنبه تاثیرگذاری آرای نمایندگان خلق در پارلمان فعلی روی مسایل مطروحه و تصویب آنها از اهمیت برخوردار است که از نظر کمیت محدود اند.

پارلمان فعلی با در نظر داشت ترکیب طبقاتی آن بجز هیات نمایندگی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) باقی سه چهارم اعضای آن را اکثر نمایندگان هفت حزب موثله پارلمانی تشکیل میدهند. البته در آینده در مرحله انتخابات بعدی برای مجلس موسسان (اگر انتخابات واقعاً بیطرفانه و منصفانه برگزار شود)، سلطنت طلبان و هفت حزب بورژوازی و گروه های دیگر در جریان انتخابات دست به تقلب، خرابکاری و توطئه زنند؛ امکان زیاد وجود دارد که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) در مناطق تحت کنترل آن عمدتاً در روستاها و در بین توده های شهری و حمایت نیروهای مترقی آرای نسبتاً چشم گیری را نسبت به احزاب دیگر بدست آورده و ترکیب سیاسی طبقاتی نمایندگان در مجلس موسسان به جهت نیرومندی نیروهای انقلابی، به نحو فاحشی تغییر خواهد کرد.

در همین مرحله بر اساس همین قرارداد و مصالحه دو طرفه در مورد خلع سلاح ارتش رهاییبخش خلق و تقلیل یک سوم اسلحه نفرات ارتش دولتی، نیز بی عدالتی آشکاری صورت گرفته است. دولت نپال تمام

ارگانهای سرکوبگر خلق از جمله ارتش، پولیس و ژاندارم و پولیس مخفی اشرا حفظ میکنند. دولت بالارتشی مجهز با تجهیزات سبک و سنگین، توپخانه و طیارات جنگی؛ بعلاوه اینکه از کمکهای نظامی و مالی قدرتهای امپریالیستی و دولت ارتجاعی هند نیز برخوردار است. در شرایط فعلی تعداد نفرات ارتش دولت به (۹۰) هزار نفر میرسد. که بعد از تقلیل اسلحه بخشی از آن در حدود (۵۵) هزار ارتش تادندان مسلح و باقی ارگانهای سرکوبگر دولت باقی میمانند و (۳۵) هزار ارتش رهاییبخش خلق با دست خالی در برابر ارتش دولت قرار میگیرد.

خلع سلاح ارتش خلق تناسب قوایین نیروهای انقلابی و نیروهای دولت را کاملاً برهم زده و نیروهای انقلابی را در موقعیتی به شدت نامناسب قرار میدهد. و این حالت خطرات زیادی را در برهم زدن موازنه سیاسی بین دو نیرو در دولت موقت آینده نیز در قبال خواهد داشت. و فقط زمانی میشد برایین مصالحه و دورنمای از دست آورد آن برای خلق نپال بگونه مطمئن صحبت کرد که ارتش خلق مسلح باقی می ماند و حزب میتوانست ساختارهای انقلابی خلق اشرا در مناطق روستائی حفظ نماید.

در صورتی که خلع سلاح کامل ارتش رهاییبخش خلق و انحلال ساختار انقلابی خلق در دهات (هسته های دولت دموکراتیک نوین) نیز عملی شود، موضوع "قدرت دوگانه" که در شرایط فعلی یکی قدرت خلق و دیگری قدرت دولت نپال است؛ برفوق مراد حزب کمونیست نپال (مائویست)، "بقدرت یگانه" تبدیل نخواهد شد. و خواست حداکثر احزاب بورژوازی یک نظام شاهی مشروطه و بایک دولت بورژوازی ("جمهوری دموکراتیک") است.

هم چنین امکان توطئه گری و تخریبکاری در نابودی ذخایر سلاح های ارتش رهاییبخش خلق از طرف نیروهای ارتجاعی حاکم به کمک امپریالیزم و دولتهای ارتجاعی منطقه منتفی نیست.

زیرانی شود به "قول و تعهد" ارتجاع اعتماد نمود و امکان توطئه دشمن زیاد است. زیرا در صورت خلع سلاح ارتش خلق و منحل کردن ساختار انقلابی خلق در دهات بر موقعیت توده های مردم و نیروهای انقلابی اثر سوء خواهد گذاشت. که رفقای حزب کمونیست نپال (مائویست) حتماً این موضوع را بگونه جدی مدنظر خواهند گذاشت. که در آن صورت امکان رخنه و نفوذ احزاب بورژوازی و طرفداران شاه در مناطق روستائی تقویت خواهد شد. که این نیز خطراتی را در برهم زدن نظم انقلابی کنونی بوسیله عمال دشمن در دهات و ایجاد نگرانی و توهم را در بین مردم در قبال خواهد داشت. همچنان خلع سلاح ارتش رهاییبخش خلق و (ذخیره شدن سلاح های) شان، یعنی عمده ترین و فعال ترین بخش نیروهای انقلابی خلق نپال و توقف مبارزه مسلحانه انقلابی اثرات ناگواری را بر روحیه توده های مردم و نیروهای مترقی نپال بجا خواهد گذاشت.

اثرات سوءروانی موضوع خلع سلاح ارتش رهایی بخش خلق نپال و مصروفیت بخشهای از کدرهای انقلابی در پیشبرد امور دولتی و سرد شدن سنگرمبارزه نظامی که مهمترین وسیله در تحرك و تهیج توده های خلق در مبارزه طبقاتی در کشورهای تحت سلطه است؛ بر توده های خلق نپال خاصاً در روستاها و بر نیروهای انقلابی و مترقی و خلقها و ملل جهان قابل ملاحظه خواهد بود. زیرا پیروزی انقلاب پرولتری در نپال اثرات جهانی دارد که نه تنها خلق نپال و خلقهای منطقه که خلقها و ملل تحت ستم و نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان از پیروزی انقلاب در نپال نیرو گرفته و روحیه انقلابی آنها ارتقاء میابد. پیروزی انقلاب نپال در شرایط فعلی جهان محرک قوی برای پیشرفت و تکامل جنبشهای انقلابی پرولتری و جنبشهای رهاییبخش ملی خلقها و ملل تحت ستم جهان در مبارزات شان علیه امپریالیزم و ارتجاع بومی خواهد بود.

خلع سلاح ارتش رهایی بخش خلق نپال نوعی رخاوت و رکود سیاسی را بر توده های خلق نپال در دهات و شهرها بوجود می آورد که با طولانی شدن مدت زمان این وضعیت اثرات آن عمیق تر خواهد بود. و امپریالیزم و ارتجاع نپال و منطقه سعی خواهند کرد تا از این شرایط حداظم استفاده را بنمایند.

احیاناً در صورت دست زدن ارتجاع و امپریالیزم به يك توطئه بزرگ علیه انقلاب و خلق نپال، تاثیرات یاس و ناامیدی آن بر کمونیستها و جنبشهای کمونیستی انقلابی، جریانهای انقلابی و مترقی، توده های خلق و ملل تحت ستم (خصوصاً در شرایط کنونی جهان که ابر قدرت امپریالیستی امریکا و متحدین آن با حملات وحشیانه و جنون آمیز خلقها و ملل تحت ستم را مورد تهاجم نظامی قرار داده و سعی دارند تا هر چه گسترده تر سلطه و حاکمیت استعماری شان را بر آنها تحکیم کنند)، عمیق و گسترده خواهد بود.

به حواله "نپال نیوز کام" بتاريخ ۲۰ جنوری ۲۰۰۷ "کریشنا بهادر مهارا" سخنگوی ورهبر گروه پارلمانی حزب کمونیست نپال (مائوئیست) از حکومت خواست تا منابع مالی بیشتری برای اداره بهتر ارتش آزادیبخش خلق که در اردوگاه های مختلف زندگی میکنند، فراهم کند. او این تقاضا را روز جمعه ۱۹ جنوری در خلال ملاقاتی با وزیر داخله نپال بیان کرد. "مهارا" از کمبود تسهیلات و اداره در اردوگاه های که ۲۵۰۰۰ ارتش رهاییبخش خلق در آنها جای گرفته اند صحبت کرد، هم چنان در آجنندای این ملاقات موضوع ترتیبات ثبت سلاح های مبارزین تمرکز داشت.

حکومت ۲۸۰ میلیون روپیه را برای اداره (پی ال آ) اختصاص داده است. هم چنان حکومت مبلغ (۵۰) میلیون روپیه صرف ساختمانهای اساسی مانند جاده ها، پلها، تهیه آب، مخابرات و برق برای ۷ اردوگاه بزرگ و ۲۱ اردوگاه فرعی در سراسر کشور صرف میکند. علاوه ۷۰ میلیون روپیه برای تهیه غذا و حمل و نقل ارتش آزادی بخش خلق به مصرف میرساند.

موضوع فوق در درازمدت زمینه سازوابستگی مادی نفرات ارتش آزادیبخش خلق بجای اتکاء کامل برتوده های مردم، به طبقات ارتجاعی خواهدگردید. واین امرتاثیرات منفی ایرا بر احساسات انقلابی وروحیه آزادمنشی وسلحشوری توده های ارتش آزادیبخش خلق نپال که در طی ده سال باروحیه انقلابی وشجاعت کامل علیه طبقات ارتجاعی وسلطه امپریالیزم ودولت ارتجاعی هندمبارزه مسلحانه کرده اند، بجخواهدگذاشت(تبصره ازماست).

سایت انترنیتی "نپال نیوزکام" چنین ادامه میدهد: ازجمله موارددیگری که دوطرف برسرآن توافق کرده اندانتقال رسمی اختیارات اجرایی پادشاه به نخست وزیراست. گام بعدی پیوستن شورشیان به يك دولت انتقالی جدیدواحتمالادرمه فبروری خواهدبود. این دولت مقدمات برگزاری انتخابات راتا اول ماه جون برای انتخاب اعضای مجمع قانون اساسی فراهم خواهدآورد. این مجمع درموردکنارگذاشتن رژیم سلطنتی نپال یا ابقای آن نیرتصمیم خواهدگرفت.

این منبع خبری ادامه میدهد: "انفادقانون اساسی موقت، بخشی ازقراردادصلح دولت باشورشییانی بودکه بیش ازده سال بادولت نپال درحال جنگ بودند. جنگی که به قیمت جان نزدیک به (۱۲) هزارنفرتمام شد. سال گذشته گیاندراپادشاه نپال، دراثراعتصابات وتظاهرات گسترده ناچاربه صرف نظرکردن ازاداره مستقیم کشورشد. ازآن هنگام تاکنون ازوسلب اختیارات شده واودرقانون اساسی انتقالی حتی يك نقش تشریفاتی نیزندارد."

بتاریخ ۲۹ جنوری ۲۰۰۷ سایت انترنیتی "نپال نیوزکام" نوشت که: "ناظرین ملل متحدثبت وذخیره کردن سلاح های مائوئیستهارادرضلع(شهرک) چیتوان روزیکشنبه ۲۸ جنوری تمام کردند. ناظرین کلیدهای کاتینرهاارادرجاییکه اسلحه مائوئیستهاقفل شده است به قوماندان مائوئیستهاردمحل تحویل دادند. لیکن ملل متحددرعین حال طبق توافق هیات سه جانبه("کمیته هم آهنگی مشترک مبصرین") ترتیب واداره سلاح هاسوت خطرادر کاتینرها نصب کرده است. ملل متحدومائوئیستهارتعدادسلاح های راکه درکاتینرهاقفل شده است افشانی کنند."

هم چنان نشریه "کتمندوپست دیلی" به نقل ازBibidh سخنگوی ارتش آزادیبخش خلق درلشکرسوم درچیتوان گفت که:"ماموافقت کرده ایم که تعدادسلاح هاراافشانی کنیم".

"کتمندوپست دیلی" ازقول يك نظامی سابق گفت که:"کسانی ازقوای وظیفه گورخا بطور موقت تعیین شده اندتایرای ۲۴ ساعت ازمحل سلاح ها نظارت ومراقبت کنند. وطبق گفته اودرین سلاح های که درکاتینرهاقفل شده است، تفنگ ماشیندارسبک،INSAN، M 16، وتفنگ ۲۰۲ بر است."

همچنان حکومت ومائوئیستهاموافقت کرده اندتامبارزین مائوئیست وسلاح های شان درهفت اردوگاه اصلی

و ۲۱ اردوگاه فرعی نگهداری شوند".

هم چنان طبق گزارش سایت خبری (nepalnews.com) بتاريخ ۲۱ جنوری ۲۰۰۷ صدراعظم نپال "کویرال" طی يك سخنرانی مهیج خطاب به ملت گفت: "نپال بعد از انتخاب اسامبله قانون گذار نظام فدرالی خواهد داشت. و نیز اواعلام کرد که ۸ حزب برای تشکیل نظام فدرال دموکراتیک موافقت کرده اند".

روز اول فبروری ۲۰۰۷ سایت انترنیتی "نپال نیوز کام" نوشت که پراچندا صدر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) گفت که: "خطابه صدراعظم به ملت در روز چهارشنبه خطابه کافی مناسب در برابر تقاضاهای مردم Madhesi، نبود.

پراچندا در يك کنفرانس مطبوعاتی در کتندو صحبت میکرد، پراچندا گفت: "حزب ما پشتیبان مبارزه مردم مادهیزی بود برای نمایندگی متناسب، نظام فدرالی و حق تعیین سرنوشت شان. در خلال این مدت مردم مادهیزی تقاضای نمایندگی متناسب، جمهوری فدرال و حق تعیین سرنوشت را مطرح کرده اند، صحبت دیروز صدراعظم يك صحبت مناسب درباره این موضوع نمی باشد. این اغتشاش بیشتری را بوجود می آورد، و به علاوه در مورد این تقاضاها باید گونه مستقیم صحبت شود.

او استدلال کرد که نظام انتخاباتی متناسب، فدرالیسم و تاسیس جمهوریت با هم مرتبط هستند. ماروی همین مواد مورد بحث استوار هستیم، او گفت: بعلاوه مائوئیستها از هريك از مواد مورد بحث سیاسی که آنها در جریان مبارزه مسلحانه مطرح کرده اند، عقب نشینی نخواهند کرد".

هر چند او این ادعاهای تکرار کرد که شاه پرستان و عناصر خارجی در آشفتگی "مادهیزیها" و خلق نزاع محلی و تخطی در پیرویه صلح نفوذ داشته اند. "حکومت هند تا حال پشتیبان پیرویه صلح در نپال بوده است، لکن بعضی عناصر بنیادگرای هندی هستند که در اعتراض Terai نقش بازی می کنند. بعضی از این عناصر هم چنان ممکن است بيك طریق و یا طریق دیگری همراهی مراجع قدرت رابطه داشته باشند. او گفت؛ آنجا سفارت امریکا است که بطور آشکار بیانیه های تحریک آمیز صادر میکند.

بعلاوه پراچندا گفت که حزب ما طرفدار گفتگو خاصاً همراهی گروه های که با طرح غلط شان در رهبری آشفتگی های جاری "تیرای" هستند، نمیباشد. لکن اگر حکومت همراهی این گروهها به توافق برسد به شمول Madhesi Janadhikar Forum (MJF) و دودسته بندی دیگر بنام Terai Janatantrik Mukti Morcha (JTMM)، که يك گروه جدا شده از مائوئیستها است، ما اعتراضی نداریم. هم چنان پراچندا افشا کرد که مذاکره بین هشت حزب راجع به بسیج مشترك ارتش دولت و ارتش آزادیبخش خلق صورت گرفت که اگر در تیرای اوضاع بطرف يك حالت انفجار تمام هرج

ومرج بزرگ شود."

اوگفت: "ارتش آزادی بخش خلق باید همراهی ارتش نپال بسیج شود، تارتش نپال قوی گردد". لاکن چنین اختیاری باید تنها بعد از توافق هشت حزب و فیصله حکومت به اجرا گذاشته شود. صدرمائوئیستهایم چنان حکومت هفت حزب راسرزنش کرد که در دایرکردن انتخابات مجلس موسسان در وقت مقرر کمتر توجه دارد.

تعیین حکومت جدید، دفع الوقت در فراهم کردن تسهیلات اساسی برای اردوگاه های ارتش آزادیبخش خلق که برای سهولت پیرویه تنظیم سلاح هاضوروری است و بی علاقگی حکومت ائتلاف هفت حزب به جهت ساختن قوانین مقتضی بوسیله کمیسیون انتخابات راجع به تشکیل مجلس مقننه در وسط ماه جون جدی نیست".

سایت "نپال نیوزکام" بتاريخ ۲ فبروری ۲۰۰۷ چنین گزارش داد که: "نام نویسی سلاح های مبارزین ارتش آزادیبخش خلق مستقر در رولپار (ضلع سرکت) و ضلع کایلالی روزشنبه آغاز شد.

ناظرین ملل متحد در داهابان رولپار رسیدند، محلی که لشکر پنجم ارتش آزادیبخش خلق مستقر است. هم چنان ناظرین ملل متحد پیرویه نام نویسی سلاح های لشکر ششم رادر داشت راتر اپور سرکت ولشکر هفتم رادر ماسوریا (ضلع کایلالی) آغاز کردند. او علاوه میکند که ناظرین ملل متحد که بوسیله عساکر سابق گورخاپشتیبانی میشوند، پیرویه نام نویسی سلاح های سه کمپ رادر خلال يك هفته تمام میکنند".

بالآخره سایت انترنیتی "نپال نیوزکام" بتاريخ (۱۰) فبروری (۲۰۰۷) نوشت که ثبت و ذخیره سازی سلاح های دوبخش یادولشکر ارتش آزادیبخش خلق مستقر در ضلع کایلالی و سرکت تمام شد.

به تعقیب **Lan Martin** نماینده سکتور جنرال ملل متحد در نپال، طی دیداری از ساحه تأیید کرد که

پیرویه ثبت و ذخیره سازی سلاح های ارتش آزادیبخش خلق در دو پیادگان متذکره تمام شده است".

بادر نظر داشت نقطه نظرات و مواضع رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و تحولات سیاسی ماه های اخیر در نپال، موضوع طرح و عملی شدن ائتلاف حزب کمونیست نپال (مائوئیست) با هفت حزب پارلمانی و مصالحه با دولت نپال، شرکت در پارلمان، انجام انتخابات و تدویر مجلس موسسان، تشکیل دولت موقت در آینده و شرکت در آن دولت؛ طبق گفته رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) يك مرحله رادر بر میگیرد. و درک ما از روند اوضاع فعلی و نیز نتیجه عملی ای که از حرکت فعلی در آینده ببار خواهد آمد؛ بر اساس طرح رفقای حزب کمونیست نپال (مائوئیست) چنین است که: از طریق شرکت نیروهای انقلابی و مترقی در مجلس موسسان و دولت در آینده نظام سلطنتی ملغاشده و يك نظام جمهوری دموکراتیک جایگزین آن خواهد شد. بفرض اگر طبق خواست نیروهای انقلابی اصلاحات ارضی "دموکراتیک"

نیز بوسیله دولت بورژوازی پذیرفته شود، احیاناً پذیرش همین اصلاحات ارضی که بوسیله نیروهای انقلابی در اکثر مناطق تحت کنترل آنها انجام شده است و باقی اراضی فئودالان هم به همین شیوه دموکراتیک تقسیم شود؛ در آن صورت دهقانان ظاهراً تعداد زیادی از قید و بند فئودالها در مناطق روستائی "آزاد" شده و باین صورت در قدم اول سلطه اقتصادی فئودالیزم یا حداقل پایگاه مادی آن از دهات نپال برچیده خواهد شد. اما سلطه طبقاتی بورژوازی بوروکرات کمپرادور و فئودالهای خلع مالکیت شده (البته مالکیت زمینداری آنها) در جامعه با حمایت و کمک امپریالیزم و دولت هند، باقی مانده و قدرت سیاسی را در دست خواهند داشت (البته در ائتلاف با نیروی انقلابی خلق نپال).

باز هم اگر تا این مرحله دست آوردهای نیروهای انقلابی را مدنظر قرار دهیم و طبق اظهاریه خودشان در واقع بشکلی يك "انقلاب ضد فئودالی" به پیروزی خواهد رسید که در واقع توده های خلق قبل در جریان ده سال جنگ توده ی طولانی آنرا به پیروزی رسانده اند. که در شرایط عصر امپریالیزم و انقلابات پرولتری در موردش باید يك "شیوه جدید" در پروسه مبارزه برای به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین در يك کشور نیمه فئودالی و نیمه مستعمره محسوب شود. باین صورت طرح این تاکتیک و یا انتخاب شیوه جدید و نتایجی که از آن ببار خواهد آمد، باید این طور تعریف شود که: سرنگونی نظام فئودال کمپرادوری به دو مرحله صورت میگیرد؛ اول خلع مالکیت طبقه فئودال و حذف آن از رأس هرم قدرت دولتی (بطور خاص لغو نظام سلطنت و اعلام جمهوری دموکراتیک در کشور نپال) با اشتراک نیروها و طبقه بورژوازی و تشکیل دولت ائتلافی با آنها؛ و طبق گفته پراچندا مرحله بعدی (انقلاب بعدی) سرنگونی سلطه بورژوازی کمپرادور بوروکرات و سلطه امپریالیزم و دولت هند خواهد بود!

لاکن با توجه به اوضاع جهان و منطقه این راه خالی از خطرات جدی برای انقلاب و نیروهای انقلابی نپال نیست. و موضوع خلع سلاح ارتش خلق و انحلال قدرت سیاسی خلق در دهات کشور و شرکت در دولت ائتلافی با نیروهای ارتجاعی تحت سلطه امپریالیزم و دولت هند؛ این خطر اجدی ترمیسازد. زیرا این امکان وجود دارد که در شرایط طبقات ارتجاعی تحت فشار نیروهای انقلابی خلق به بعضی عقب نشینیها تن در بدهند که در شرایط فعلی ظاهراً چنین کردند. و حتی تحت فشار نیروهای انقلابی خلق حاضر شوند در فورمهای نسبتاً رادیکالی رابه منصفه اجرا بگذارند؛ چنانکه مادر شرایط نپال تا حال عملی شدن موارد معدودی از خواستههای دموکراتیک نیروهای انقلابی را مشاهده میکنیم. و احیاناً اگر باقی خواستههای دموکراتیک پیشنهادی آنها در آینده نیز برآورده شود؛ باز هم بورژوازی به کمک و حمایت امپریالیزم و دولت هند حاضر نخواهد شد که داوطلبانه قدرت سیاسی رابه خلق واگذار نماید. با آنکه در شرایط بوجود آمده در نپال خصوصاً در طی چند ماه اخیر که نتیجه ائتلاف نیروهای بورژوازی هفت حزب پارلمانی با حزب

کمونیست نپال (مائوئیست) ویشبرد مبارزه متحد علیه پادشاه است. ودر شرایط فعلی نیروهای هفت حزب موثله پارلمانی توانستند با حمایت و فشار قدرت توده های خلق نپال تحت رهبری حزب کمونیست (مائوئیست) امتیازات فوق العاده ایرا از شاه بگیرند.

چنانچه از گزارشات مطبوعات بین المللی و مطبوعات نپال و مصاحبه های رهبران حزب کمونیست (مائوئیست) برمی آید ممکن است که حتی نظام پادشاهی لغوشده و بجای آن جمهوری دموکراتیک قدرت بورژوازی در ائتلاف بانیره های انقلابی استقرار یابد توضیح از ماست). اما با زهم وظیفه اصلی نیروهای انقلابی یعنی پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین انجام نه شده باقی میماند. که این مامول از طریق سرنگونی سلطه طبقات ارتجاعی، امپریالیزم و دولت هند بوسیله قهر انقلابی میتواند تحقق یابد.

بطور خلاصه در این مرحله از انقلاب نپال که تدویر مجلس موسسان، تدوین قانون اساسی جدید (که احتمالاً لغو نظام سلطنت و تشکیل جمهوری دموکراتیک را در بر خواهد داشت) و شرکت نیروهای انقلابی در این دولت بورژوائی در موردش يك "راه جدید" است. که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) آنرا در پیروسه عملی تجربه میکند. بعبارت دیگر بعد از آنکه ارتش رهائی بخش خلق به لحاظ قدرت رزمی به مرحله تعادل استراتژیک رسید؛ حزب بجای ادامه مبارزه مسلحانه تا سرنگونی کامل سلطه فئودالیزم، بورژوازی کمپرادور بوروکرات و سلطه امپریالیزم و دولت توسعه طلب هند و تشکیل دولت دموکراتیک خلق تحت رهبری پرولتاریا؛ راه توقف مبارزه مسلحانه و انتخاب راه مبارزه سیاسی، شرکت در مجلس موسسان و شرکت در دولت ائتلافی رازیر شعار "استحکام استراتژیک و انعطاف تاکتیکی" برگزید. آنهم در شرایطی که ارتش رهائی بخش خلق خلع سلاح شده و ساختارهای دولت نوین در ۸۰ درصد مناطق کشور منحل میشوند. حال این سؤال مطرح میشود که آیا این اقدام جلوی پیشرفت انقلاب را سد نخواهد کرد؟

پراچند در مصاحبه اش گفت که: "مادر سال (۱۹۹۱) در پارلمان شرکت کردیم و از آن طریق دولت را افشا و برآمده و جنگ خلق را تدارک دیدیم، حالا بعد از ده سال جنگ خلق و شکست فئودالیزم در اکثر مناطق روستائی، بوجود آوردن ساختار انقلابی خلق و تشکیل ارتش رهائی بخش خلق و رسیدن به مرحله تعادل استراتژیک و در موقعیت قدرت این تاکتیک را که در جهت استحکام استراتژی ماعمل میکند، بکار گرفتیم."

به همین رابطه در سایت انترنیتی "Krishnasenonline.org" چنین میخوانیم: "حزب راه مبارزه صلح آمیز را به پیش می برد و نمایندگان خود را در کارزار مبارزه سیاسی فرستاده است. این مبارزه بر اساس خط رهنمای "راه پراچندا" که مسلماً آنها را قادر میسازد که مبارزه علیه مرتجعین را از طریق مبارزه سیاسی به پیش برند. حالا حزب در یک مرحله جدید قرار دارد و از اصول مارکسیست بر اساس تحلیل مشخص از اوضاع مشخص در این جغرافیا استفاده میکند". لیکن با همه خطراتی که انقلاب خلق نپال در این مرحله نهایت

حساس پیش روی دارد و تمام کمونیست‌ها و پرولتاریای انقلابی، جریانات و شخصیت‌های واقعا دموکرات و مترقی در سراسر جهان از مواضع مختلف در زمینه نگرانی‌های دارند؛ با آنها امیدواریم که رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و خلق انقلابی نپال بتوانند توطئه‌ها و سوءقصد‌های دشمنان داخلی و خارجی انقلاب نپال را در آینده دفع کرده و مبارزه انقلابی شان را در جهت به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی تا پیروزی نهائی به پیش برند. به امید آن روزی که ما شاهد پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی و اهتزاز بیرق پرولتاریای نپال برفراز قله کوه ایوریست (بام دنیا) باشیم.

این نکته نیز قابل تذکر است که ولنیروهای انقلابی در اتحاد با نیروهای دموکرات و مترقی موفق به کسب اکثریت قاطع آراء در مجلس موسسان شوند، نیروهای ارتجاعی حاضر به پذیرش این اکثریت نخواهند شد که قدرت دولتی را بطور کامل تسلیم نیروهای انقلابی نمایند. و اگر بفرص چنین امری تحقق هم به پذیرد؛ آن عبارت از تصرف ساده قدرت دولتی خواهد بود. در حالیکه برای به پیروزی رساندن انقلاب دموکراتیک نوین باید نظام کهنه فئودال کمپرادوری و سلطه امپریالیزم و دولت هند را سرنگون کنند. از اینجاست که حزب کمونیست نپال (مائوئیست) و خلق انقلابی نپال جز توسط به قهر انقلابی الترناتیف دیگری ندارند.

در آن صورت نبرد بر سر تصرف قدرت سیاسی بین نیروهای انقلابی و نیروهای بورژوازی ارتجاعی آغاز خواهد شد. و آن نبردی سرنوشت ساز هم برای نیروهای انقلابی و هم برای نیروهای ارتجاعی خواهد بود. لذاتوده های خلق و تمام نیروهای مترقی نپال تحت رهبری حزب کمونیست نپال (مائوئیست) باید برای چنین نبردی سرنوشت ساز آماده باشند. و از اینک ارتش خلق در وضعیت بدون سلاح (یا خلع سلاح) قرار دارد، موضوع رایجیده میسازد که البته رهبران حزب کمونیست نپال (مائوئیست) حساسیت و پیچیدگی موضوع را بهتر از ما درک میکنند.

"تزرقات چند حزبی یارقات سوسیالیستی در دوران سوسیالیسم؛

پراچندامیگوید: "حزب ما پیشنهاداتی را در مورد تکامل دموکراسی مردمی در قرن بیست و یکم بر مبنای جمع بندی از تجارب مثبت و منفی قرن بیستم به پیش گذاشته شده است. منطبق با آن، حزب اعتقاد دارد در چارچوب قانون اساسی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی، فقط از طریق رقابت چند حزبی حتی در جامعه سوسیالیستی میتواند جلوی ضد انقلاب را گرفته، حاکمیت پرولتاریا را بوسیله موثر نمودن کنترل، نظارت و دخالت گری مردم در حکومت تقویت نمود.

تنها آنگونه حاکمیت پرولتاریا که بر مبنای دموکراسی مردمی تقویت شده باشد میتواند ساختارهای لازم

برای حذف طبقه، حزب و دولت رافراهم بیاورد. این پروسه آگاهی سیاسی رادرمیان خلق از طریق رقابت چندحزبی بالامیبرد، رقابت سوسیالیستی راسرزنده وپویامیکند. وقتی رقابت سوسیالیستی راسازمان دهیم شالوده زوال دولت گسترده تروسریعتر، آماده خواهدشد.

پراچندامیکوید: "درهنگامیکه دولتی ضدفئودالی وضدامپریالیستی تشکیل شد، درچنان وضعیتی، احزابی که نماینده طبقات واعتقادات ایدئولوژیک مختلف اندنیازی به تشکیل ارتشهای جداگانه نخواهندداشت زیرامنافعشان درتضاداتاگونیستی بااین دولت نخواهدبود. بجای چنین کاری، رقابت دموکراتیک خلقی، تحت دکتاتوری خلق شروع میشودکه باعث تقویت بیشتردولت خلق خواهدشد. این مطلب راپراچندابه جواب خبرنگاراظهارنمودکه سؤال کرد: "آیااین احزاب دست به تشکیل ارتشهای جداگانه نخواهندزد؟" (منابع: شماره ۲۰ حقیقت وسایت فارسی بی بی سی).

یادداشت: حزب کمونیست ایران (م ل م) صحبت ازمصاحبه عمدتاً "دیپلوماتیک" پراچندا بارسانه های جمعی غربی چون بی بی سی ورسانه های خبری دیگرداردکه به جواب مطلبی ازپیام فدائی تحت عنوان "مسایل پیچیده؛ برخوردساده!" اظهارکرده است (نقل ازشماره ۲۱ حقیقت ارگان مرکزی آن حزب کمونیست ایران (م ل م)).

حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که درشرایط عملی کردن نکات موافقت نامه بین آنهاوهفت حزب پارلمانی وپروسه صلح بادولت نپال قرارداداشته وپراچندابادرنظرداشت اوضاع بوجودآمده ودرموقعیت فعلی شایددرمصاحبه هایش درمواردی درباره بعضی مسایل به طورعام به شیوه صحبت "دیپلوماتیک" متوسل شود. لکن دربیان اهداف ومواضع استراتژیک حزب وآینده انقلاب خلق نپال بایدصراحت کامل وجوداشته باشد. ازآن جمله صراحت درباره حفظ ارتش انقلابی خلق وساختارهای انقلابی خلق درمناطق روستائی. زیراادولت نپال ارتش مسلح ومجهزخودراحفظ کرده است؛ لکن روی خلع سلاح ارتش رهائی بخش خلق وانحلال ساختارهای انقلابی خلق، اصرارمینمود. این یکی ازمهمترین وعده ترین مسایل بوده وهست که توده های خلق نپال، دوستان وهواداران انقلاب درنپال ودرسراسرجهان روی حفظ سلاح ارتش آزادیبخش خلق وحفظ واستحکام ساختارهای انقلابی خلق درمناطق روستائی تاکیدواصرارداشتته ودارند. ودراین موردومواردمهم دیگری شیوه بیان "دیپلوماتیکی" نمیتواندتوجیه پذیرباشد.

بررسی همه جانبه "تر" رقابت چندحزبی درجامعه سوسیالیستی بحث علمی ودیالکتیکی عمیق وگسترده رادرسطح جنبش بین المللی کمونیستی وجنبش انقلابی انترناسیونالیستی ایجاب مینماید؛ باآنهم مابالهام ازاصول علم انقلاب پرولتاریائی (مارکسیسم لنینیسم مائوئیسم) ودرک ازتجارب عملی جنبش بین المللی

کمونیستی و پرولتاریای انقلابی در قرن بیستم، نقطه نظرات خود را بگونه فشرده درباره این "تز" ارایه مینماییم:

این نظر حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که میگوید: "حاکمیت پرولتاریا را بوسیله موثر نمودن کنترل، نظارت و دخالت گری مردم در حکومت میتوان تقویت نمود. تنها آنگونه حاکمیت پرولتاریا که بر مبنای دموکراسی مردمی تقویت شده باشد میتواند ساختارهای لازم برای حذف طبقه، حزب و دولت را فراهم بیاورد"، امری درست و اصولی است؛ لکن مطلب اینکه "رقابت چند حزبی آگاهی سیاسی را در میان خلق بالا میبرد، رقابت سوسیالیستی را سرزنده و پویا میکند، از طریق رقابت چند حزبی در جامعه سوسیالیستی میتوان جلوسد انقلاب را گرفت، وقتی رقابت سوسیالیستی را سازمان دهیم شالوده زوال دولت گسترده تر و سریعتر آماده خواهد شد"، موضوعی است بحث برانگیز که پراتیک مبارزه طبقاتی در دوران سوسیالیسم در آینده درستی و نادرستی این "تز" را ثابت خواهد کرد.

لکن با تحلیل تضادهای دوران سوسیالیسم، با در نظر داشت پروسه بخرنج ساختمان سوسیالیسم و خصلت مبارزه طبقاتی در این دوران و با توجه باین که دوران سوسیالیسم دورانی است که پرولتاریا با مبارزه قاطع و مداومش بر بورژوازی غلبه کرده و به سوی ایجاد جامعه بدون طبقه یعنی مرحله عالی جامعه کمونیستی به پیش میرود و با استناد به "تئوری ادامه انقلاب تحت دکتاتوری پرولتاریا" یا ادامه مبارزه طبقاتی در دوران سوسیالیسم؛ اگر احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی در دوران سوسیالیسم اجازه فعالیت آزادانه را بیابند و بتوانند با حزب کمونیست رقابت کنند؛ از جنبه تئوریک و عملی سوالاتی مطرح میشود که باید در برابر آنها پاسخ علمی و اصولی در خوری ارایه گردد.

اگر احزاب بورژوازی و خرده بورژوازی با عقاید مختلف در جامعه سوسیالیستی حضور فعال داشته باشند؛ بدون شك آنها ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی را در جامعه اشاعه خواهند داد. گرچه آنها ظاهراً به قبول قانون اساسی ضد فئودالی و ضد امپریالیستی تمکین نمایند.

بعد از پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی غیر از این احزاب، طبقات شکست خورده فئودال و بورژوازی کمپرادور بوروکرات نیز در جامعه وجود دارند. زمانی امکان رقابت به اندیشه های بورژوازی در سطح جامعه بوسیله احزاب مختلف بورژوازی و خرده بورژوازی وجود داشته باشد؛ ممکن است که این احزاب تکیه گاه فکری و سیاسی طبقات شکست خورده جامعه قرار گیرند. در حالیکه این طبقات شکست خورده و سایر نیروهای بورژوازی از حمایت امپریالیسم بین المللی نیز برخوردارند.

در یک کشور عقب نگهداشته شده مانند نپال به لحاظ موقعیت جغرافیائی محاط به خشکه خاصاً که دودولت بزرگ ارتجاعی هندوچین آنرا احاطه کرده اند؛ در صورت پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین

وانقلاب سوسیالیستی قبل از همه دولت نوین بوسیله قدرتهای امپریالیستی و دولت های هندوچین محاصره اقتصادی خواهد شد. البته این موضوع یکی از مشکلات دولت انقلابی خواهد بود. در غیر آن دولت انقلابی نوپای در سالهای اول پیروزی مشکلات زیادی را در عرصه های مختلف خاصاً در عرصه اقتصادی و مالی پیش روی خواهد داشت و این امکان کمتر وجود دارد که این دولت بتواند به حداکثر خواستها و احتیاجات مردم نپال خصوصاً توده های شهری رسیدگی نماید. گاهی هم احتمال اوجگیری ناراضی و اعتراضات مردم خصوصاً توده های شهری وجود دارد؛ در آن شرایط این احزاب از داخل و قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی از خارج هر چه بیشتر بر آتش ناراضیها خواهند دمید.

بعد از پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی در نپال سؤالیهای مطرح میشود از جمله؛ موضوع رقابت احزاب گوناگون بورژوازی با حزب کمونیست نپال (مائوئیست) که قدرت دولتی را در دست دارد و مسأله چگونگی اعمال دکتاتوری پرولتاریا بر این احزاب. آیا دولت دکتاتوری پرولتاریا در برابر فعالیتهای احزاب بورژوازی که تحت دکتاتوری پرولتاریا از دموکراسی برخوردارند، حدود مرزی تعیین خواهد نمود؟ عبارت دیگر آن دموکراسی برای احزاب بورژوازی یک دموکراسی محدود و کنترل شده خواهد بود!

در حالیکه در جامعه سوسیالیستی دموکراسی بحیث یک پدیده مشخص برای پرولتاریا و سایر زحمت کشان وجود دارد. در آن صورت موضوع شرکت این احزاب در انتخابات مجلس نمایندگان خلق و سایر سازمانهای توده ای چگونه تنظیم خواهد شد؟

چگونه ممکن است که در دوران سوسیالیسم بر تضاد پرولتاریا و بورژوازی به شیوه "رقابت دموکراتیک" احزاب بورژوازی با حزب کمونیست تحت دکتاتوری پرولتاریا فایق آمد؟ در حالیکه حل تضادهای دوران سوسیالیسم تنها از طریق تداوم مبارزه طبقاتی بحیث نیروی محرکه جامعه سوسیالیستی و مبارزه ایدئولوژیک سیاسی و اعمال دیکتاتوری پرولتاریا بر طبقه بورژوازی ممکن میگردد. از این طریق است که دکتاتوری پرولتاریا تحکیم یافته و دموکراسی برای پرولتاریا و سایر زحمتکشان تضمین میشود.

آیا این امکان بوجود نخواهد آمد که ایده ها و فرهنگ بورژوازی در عین رقابت با ایدئولوژی و فرهنگ پرولتاریائی به رشد و تکامل شان در جامعه سوسیالیستی نیز ادامه دهند؟ در حالیکه اصولاً در دوران سوسیالیسم پرولتاریا باید مبارزه طبقاتی را علیه بورژوازی و علیه ایده ها و فرهنگ بورژوازی تا مغلوبیت آن و رسیدن به جامعه کمونیستی ادامه دهد. آیا این امر ممکن است که در جامعه از یک طرف علیه محو نابودی کامل بورژوازی در همه عرصه ها مبارزه صورت گیرد ولی در عرصه ایدئولوژی و فرهنگ شرایط فعالیت آزادانه و امکان رقابت ایدئولوژی و فرهنگ بورژوازی با ایدئولوژی و فرهنگ پرولتری در جامعه آماده گردد؟

مائوتسه دون میگوید: "پرولتاریا باید مبارزه کند تا در هر عرصه، مارکسیسم را حاکم کرده، ایده های ارتجاعی

را افشانوده و مغلوب کند و در جریان این مبارزه، فرهنگ بورژوازی را از صحنه خارج کند. " این سؤال نیز مطرح میشود که احزاب و گروه های بورژوازی و خرده بورژوازی این رقابت را برای تحقق چگونه هدف و مرامی به پیش خواهند برد؟ یقیناً که آنها در جهت تبلیغ و ترویج ایده ها و فرهنگ طبقاتی خودشان در بین توده های خلق فعالیت خواهند کرد. در آن صورت مسأله اعمال دکتاتوری همه جانبه پرولتاریا بر بورژوازی یعنی ادامه انقلاب تحت دکتاتوری پرولتاریا تا محو طبقات و رسیدن به جامعه کمونیستی چگونه صورت خواهد گرفت؟

مطلب دیگر اینکه در شرایط پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی کتله های وسیع روشنفکران جامعه که هنوز دارای جهان بینی بورژوازی اند و بنا بر خصلت قشری و طبقاتی شان اکثر اکثر حاضران دموکراسی را با مرکزیت و آزادی را با انضباط به پذیرند. آیا آنها به آسانی تحت نفوذ ایده ها و فرهنگ بورژوازی قرار نخواهند گرفت؟ در حالیکه در شرایط جامعه سوسیالیستی هر چه بیشتر باید فرهنگ انقلابی و پرولتری شود و مبارزه در جهت تربیت ایدئولوژیک سیاسی روشنفکران و توده های خلق در جامعه در شرایط دموکراسی پرولتری تحت دکتاتوری پرولتاریا به پیش برده شود. بعبارت دیگر شیوه ای که میتوان در دوران سوسیالیسم بر بورژوازی و سایر طبقات استثمارگر پیروز شد و جهان بینی انقلابی توده های خلق را بازسازی کرد، راه ادامه انقلاب تحت دکتاتوری پرولتاریا و یا ادامه مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی و تمام طبقات استثمارگر از طریق اتکاء بر توده های خلق و براه اندازی انقلابات فرهنگی پرولتاریائی پیهم، میباشد.

مطابق اصول مارکسیسم لنینیسم، میان جامعه سرمایه داری و جامعه کمونیستی دوران گذار انقلابی وجود دارد (دوران طولانی گذار سوسیالیستی به کمونیسم)، در این دوران باید در قلمرو سیاسی دیکتاتوری پرولتاریا برقرار ساخته شود. دیکتاتوری پرولتاریا ضامن اساسی پیروزی بر بورژوازی و سوسیالیسم بر سرمایه داری می باشد. و این مسیری است که برای عبور از سرمایه داری به کمونیسم باید آنرا طی کرد. لنین میگوید: "پیش روی بسوی کمونیسم تنها از طریق دکتاتوری پرولتاریا میسر بوده و لا غیر...".

در سراسر دوره تاریخی سوسیالیسم، هنوز طبقات و تضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی و ستیز و کشاکش میان راه سوسیالیستی و راه سرمایه داری و نیز خطرا عاده و احیای سرمایه داری موجود است و تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی تضاد عمده تحت سوسیالیسم است. تضاد در زیربنای اقتصادی (مناسبات تولیدی)، تضاد بین زیر بنا و روبنا، موجودیت تفاوت درآمدها و تضاد ناشی از مناسبات توزیع که تبارزی از حق بورژوائی است، ادامه مناسبات کالائی، وجود بقایای سرمایه داری (که موانعی در راه شناخت و تغییر جهان بر اساس منافع پرولتاریا میباشد)، ادامه تولید کالائی و عملکردهای قانون ارزش تحت سوسیالیسم و دکتاتوری

پرولتاریا (همانطور که "لنین خاطر نشان ساخت این مسأله حتی تحت سوسیالیسم پایه مادی مناسبات سرمایه دارانه راویا پایه مادی احیای سرمایه داری را فراهم می آورد")؛ بنابراین در جهت نابودی کامل بورژوازی و مظاهر گوناگون سرمایه داری در جامعه سوسیالیستی باید روی اهمیت و نقش ایدئولوژی پرولتری بحیث یگانه ایدئولوژی انقلابی و بمثابة رهبری کننده جریان ضدیت با سرمایه داری باید تأکید کرد. باین صورت وجود احزاب بورژوازی و فعالیت و رقابت آنها با حزب کمونیست در دوران سوسیالیسم، پیشبرد امر مبارزه طبقاتی را در این دوران دچار اشکال خواهد کرد. تجربه شکست انقلاب در روسیه و چین نشان داد که چگونه قشر بورژوازی نوین در درون حزب کمونیست و دولت شوروی و شرایط دکتاتوری پرولتاریا بوجود آمده و حتی در مقامهای بالائی حزب و دولت جای گرفتند، نشوونما کردند و دکتاتورهای پرولتاریا در کشورهای روسیه و چین سرنگون کرده و دکتاتوری بورژوازی را برقرار نمودند.

تجربه دو انقلاب پرولتاریائی در روسیه و چین عملاً نشان داد که بعد از سرنگونی سلطه طبقات ارتجاعی و سلطه امپریالیسم طبقات استثمارگری که سرنگون شده و خلع سلاح شده اند، به آسانی تن به شکست نمی دهند، بلکه همیشه در صدد هستند که به هر وسیله ممکن بهشت از دست رفته شان را دوباره بدست آورند. اینها با استفاده از تمام امکاناتی که در دست دارند و به کمک سرمایه داری جهانی به مبارزه مرگ و زندگی علیه پرولتاریا برای احیای سرمایه داری و دوباره دست یافتن به قدرت ادامه میدهند.

مسأله دیگر نفوذ خود بخودی اقشار وسیع خرده بورژوازی خاصاً در جوامع نیمه مستعمره و نیمه فئودالی که در آنها انقلاب دموکراتیک نوین و انقلاب سوسیالیستی به پیروزی میرسد، وجود دارد و آنها را باید سرمایه داری جدید را باز تولید میکنند.

همچنان ارتباط دائم بین دشمنان خارجی و دشمنان داخلی انقلاب موجود است. اینها با همدستی و همکاری مداوم اند تا دولت سوسیالیستی را سرنگون کنند. در شرایط کنونی جهان اثرات نفوذ افکار و فرهنگ گمراه کننده و فاسد کننده بورژوازی از طریق شبکه های گسترده رسانه های جمعی امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی خاصاً بر روشنفکران وجود دارد که باید به شدت علیه آنها مقابله نمود.

این مطلب را نیز باید در نظر گرفت که در شرایط فعلی جهان پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین و تاسیس دولت دموکراتیک خلق و ایجاد دولت سوسیالیستی به حکم یک جزیره کوچک در اوقیانوسی است که امپریالیسم و ارتجاع بین المللی آنها را احاطه میکنند. از این رو پرولتاریای در قدرت باید با استفاده از تمام امکانات در جهت تضعیف و نابودی زمینه های مادی، ایده ها و فرهنگ بورژوازی مبارزه نماید. لکن وجود احزاب بورژوازی و رقابت آنها با حزب کمونیست و دولت پرولتری زمینه ای خواهد شد برای رشد ایده ها و فرهنگ

بورژوازی و تقویت قشر نوظهور بورژوازی در جامعه.

در جامعه سوسیالیستی اگر بورژوازی و طبقات استثمارگر سرنگون شده اند، ولی ایدئولوژی این طبقات رایج باره نمی توان ازین برد. در دوران سوسیالیزم مبارزه طبقاتی میان بورژوازی و پرولتاریا خاصاً در عرصه ایدئولوژیک طولانی، پیچیده و گاه بغایت حادث و تیز است. این مبارزه در اصل مبارزه ایست میان احیای سرمایه داری و مخالفت پرولتاریا برای تحقق چنین امری.

پرولتاریا برای کسب پیروزی نهائی بر بورژوازی و دیگر طبقات استثمارگر، باید لاینقطع و بطور خستگی ناپذیر بورژوازی و انواع رویزیونیسم را مورد انتقاد قرار داده و دیکتاتوری خود را تماماً علیه بورژوازی در وینا و منجمله شاخه های مختلف فرهنگ اعمال نماید. و فقط از این راه میتواند نفوذ ایده های طبقات استثمارگر را ازین برده و ایدئولوژی پرولتری را به جلوسوق داده و آگاهی کمونیستی توده های خلق را ارتقاد دهد.

اگر احزاب بورژوازی در دوران سوسیالیزم بفعالیت شان ادامه داده و ایده ها و فرهنگ بورژوازی بتوانند با ایدئولوژی و فرهنگ پرولتری به رقابت به پردازند؛ آیاتوده های خلق که هنوز در آن سطحی از آگاهی ایدئولوژیک سیاسی نرسیده اند؛ چه تضمینی وجود دارد که بتوانند با سلاح ایده های انقلابی (م ل م) در برابر ایده های بورژوازی موضع انتقادی ورد گرفته و متوهم نشوند؟ در چنان شرایطی امکان اینکه بخشهای از توده های خلق و روشنفکران در بین دو ایدئولوژی و دو فرهنگ متوهم بمانند نیز وجود دارد. در حالیکه پرولتاریا باید قدم به قدم و هر لحظه در صدد این باشد که از نفوذ ایده های بورژوازی و فرهنگ آن در جامعه بکاهد.

امکان اینکه بخشهای از نیروهای واقعا مترقی ضد فئودالیزم و ضد امپریالیزم حداکثر روی مواضع شان تابه آخر استوار مانده و همکاری شان را از همین دید با حزب کمونیست و دولت تحت دکتاتوری پرولتاریا ادامه دهند، وجود دارد. تجربه انقلاب چین نشان داد که آن بخش از بورژوازی ملی که پیرو سه انقلاب دموکراتیک نوین را در چین همراهی کرد و تا زمانی که منافع اقتصادی اش از قبل دولت انقلابی تامین بود روی مواضع اش استوار مانده و بر همین مبنای همکاری با حزب کمونیست و دولت انقلابی ادامه داد. و جناحی از بورژوازی ملی حتی بعد از شرایط تحول سوسیالیستی مالکیت این همکاری را ادامه داد. لیکن همه جناح های بورژوازی ملی و باقی احزاب بورژوازی چنین نخواهند کرد. آنها هر لحظه در صدد خواهند بود تا با استفاده از مشکلات و ناتوانیهای دولت پرولتری و بروز ناراضیهای مردم از داخل و قدرتهای امپریالیستی و دولت های ارتجاعی از خارج، توده های مردم را نسبت به پیروزی و آینده نظام سوسیالیستی متوهم ساخته و در صورت ضعف بیشتر و یا احیاناً بوجود آمدن شرایط بحرانی شدید برای دولت سوسیالیستی (که توسط

جهان امپریالیزم وارتجاع به محاصره کشیده شده است)، آنرا مورد حمله قرار دهند.

تجربه جنبش بین المللی کمونیستی این امر اثبات کرده است که حتی در صورت عدم به رسمیت شناختن فعالیت احزاب بورژوازی در جامعه سوسیالیستی قشر نوین بورژوازی در حزب و دولت بظهور رسیده و به نشوونما ادامه داد. با آنکه مبارزه ایدئولوژیک سیاسی علیه ایده ها و افکار اپورتونیستی و رویزیونیستی در دوران احزاب کمونیست در قدرت ادامه یافت. خاصاً که در کشور چین یک دوره ده ساله انقلاب فرهنگی علیه ره روان سرمایه داری (قشر نوین بورژوازی درون حزب و دولت) تحت رهبری مائوتسه دون و همسنگران او در حزب کمونیست به پیش برده شد؛ باز هم بعد از مرگ رفیق مائوتسه دون رویزیونیستهای "سه جهانی" تحت رهبری دینگ سیاووپین و هواکوفنگ خاینانه طی یک کودتا و حبس "گروه چهار نفره" از انقلابیون نزدیک به مائوتسه دون و صدها کمونیست انقلابی دیگر، دولت سوسیالیستی و دکتاتوری پرولتاریا را سرنگون کردند. لکن در صورت برسمیت شناختن رقابت احزاب بورژوازی و به عبارت دیگر "ادامه همزیستی" احزاب بورژوازی با حزب کمونیست در دوران سوسیالیزم زمینه را برای نشوونمای سریعتر قشر بورژوازی نوحاسته در دوران حزب و دولت میسر خواهد ساخت.

(منابع استفاده شده در نگارش مبحث اخیر: "یک درک پایه ای از حزب کمونیست چین (اداره انتشارات خلق، شانگهای ۱۹۷۴)", "چین، دکتاتوری پرولتاریا و پروفیسور بتلهایم (یا چگونه از رویزیونیزم انتقاد کنیم) از حزب کمونیست انقلابی آمریکا" و "خدمات فناپذیر مائوتسه دون از باب آواکیان")

۱۱ فبروری ۲۰۰۷ (۲۲ دلو ۱۳۸۵)

سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری)

نوشته از: پولاد